منشور روحانیت

پیام تاریخی و مهم امام خمینی (ره)

به طلاب و روحانیون سراسر کشور

سوم اسفند ۱۳۶۷

بسم الله الرحمن الرحیم

تقدیم به قطب عالم امکان، یگانه دوران، جان جانان
امام زمان(عجل الله ظهوره)



منشور روحانیت

پیام تاریخی و مهم امام خمینی(ره)
به طلاب و روحانیون سراسر کشور
سوم اسفند ۱۳۶۷

منشور روحانیت

تهیه کننده: مؤسسه راهبردی حق پژوهی

ناشر: نشر حق پژوهی

طرح جلد و صفحه آرایی: سید مهدی زلیخایی

چاپ: اول/۱۳۹۶

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۵-۸-۹۴۷۶۹-۶۰۰-۹۷۸

قیمت:

عنوان و نام پدیدآور: منشور روحانیت: پیام تاریخی امام خمینی(ره) به طلاب و روحانیون سراسر کشور سوم اسفند ۱۳۶۷

مشخصات نشر: مشهد: حق پژوهی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.: مصور (بخشی رنگی).

شابک: ۵-۸-۹۴۷۶۹-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر

یادداشت: فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است

شناسه افزوده: کانون فرهنگی حق پژوهی

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۰۵۱۶۴



موسسه راهبردی حق پژوهی

مرکز تخصصی نقد و بررسی فرق و ادیان



ناشر تخصصی کتب نقد و بررسی فرق و ادیان

تلفن: ۰۹۱۵۷۹۵۶۴۷۳

www.HaghPajohi.com

فهرست

دیباچه ۹
تجلیل از علمای راستین ۱۱
نقش فقهاء در حفظ و تبیین دین ۱۳
نقش حوزه های علمیه در امور اجتماعی ۱۴
علماء دین، پیشتازان عرصه مبارزه با طاغوت ۱۵
روحانیت و مبارزه با سرمایه داری ۱۷
علت مخالفت روحانیون با برخی مظاهر تمدن ۱۹
رمز حیات و پایداری روحانیت ۲۰
مبارزه استعمار با روحانیت اصیل ۲۱
خطر روحانیون وابسته ۲۲
مروجین اسلام آمریکایی ۲۳
راه های ضربه زدن استکبار به حوزه های علمیه ۲۴
القای شعار جدایی دین از سیاست مهم ترین حرکت استعمار ۲۵
آسیب شعار جدایی دین از سیاست ۲۶
مجد واقعی حوزه ۲۷
تذکر جدی به طلاب جوان ۲۸
تلاش روحانیون مجاهد در مقابل انحرافات ۲۹
نقش منفی روحانیون مقدس نما در قیام پانزده خرداد ۳۰
ضربه مقدسین روحانی نما به اسلام ۳۱
باز بودن پرونده مقدس مآبان و دین فروشان ۳۲

استفاده از ابزار تهمت ۳۳
تلاش به نفع شاه ۳۴
ولایت در نظر متحجرین ۳۵
نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه ها ۳۶
وظایف روحانیون ۳۷
تبلیغات سوء باندها ۳۸
عدم امتیاز دهی نظام به افراد و گروه ها ۳۹
حفظ اتحاد طلاب اولین وظیفه شرعی و الهی ۴۰
دفاع از عملکرد نظام و جنگ ۴۱
برکات جنگ ۴۲
تجلیل از خانواده شهدا ۴۴
جنگ و صلح تنها برای ادای تکلیف ۴۵
شعارهای عملی شده ۴۶
تغییر تاکتیک به سبب موانع ۴۷
هشدار به طلاب ۴۸
سپردن پست های کلیدی به لیبرال ها اشتباه بزرگ ۴۹
عدم بدهکاری انقلاب به هیچ گروهی ۵۰
هشدار نسبت به نفوذ لیبرال ها و منافقین ۵۱
تقدیر از مردم انقلابی ۵۲
پرهیز از اختلاف و تجزیه روحانیت ۵۳
علت تبلیغات بر علیه روحانیون ۵۶
لزوم بصیرت برای حرکت در مسیر صحیح ۵۷

توجه به فقه سنتی و اجتهاد جواهری پویا ۵۸
احاطه به مسائل زمان و سیاست از ویژگی های مجتهد جامع ۵۹
حکومت اسلامی، حکومت فقه و احکام اسلام ۶۰
علت تلاش های دشمنان اسلام در تقابل با حکم ارتداد سلمان رشدی ۶۱
حرکت به سمت خودکفایی ۶۲
دشمنی استکبار با اجرای فقه اسلام ۶۳
تأسف از عملکرد دولت های اسلامی ۶۴
نابودی اسلام و مسلمین، نقشه شوم جهان خواران ۶۵
بیداری مردم در مقابل تحلیل های نادرست ۶۶
عدم کفایت اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه ۶۷
امور اجرایی و قضایی، امری مقدس برای روحانیت ۶۸
سخن آخر ۶۹

دیباچه

از مهمترین پیام های معمار کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) پیام معظم له به حوزه های علمیه است که به "منشور روحانیت" معروف گردیده، که در آن علاوه بر تجلیل از علمای راستین و نقش آنان در اعتلای پرچم دین و خدمات حوزه های علمیه، آسیب ها و چالش های فراروی حوزه به خوبی ترسیم گردیده است.

"منشور روحانیت" این استعداد را دارد که متفکرین و صاحب نظران حوزه های علمیه، ساعت ها به تحلیل و بررسی آن بپردازند. مطلبی که متأسفانه بعد از سال ها کاملاً مغفول مانده و هیچ حرکت جدی در باب آن صورت نگرفته است.

برای درک بهتر از این پیام، توجه به چند نکته ضروری به نظر می رسد:

این پیام در آخرین سال عمر مبارک حضرت امام (ره) و سه ماه قبل از ارتحال ملکوتی ایشان صادر گردیده که مبیّن نگرانی فوق العاده ایشان در اواخر عمر است. گویا توافق نانوشته ای بین طلاب و حوزه های علمیه صورت گرفته که نه تنها به این منشور هیچ توجهی نشود بلکه به شدت در حذف آن کوشیده و از معرض دید طلاب محو گردد.

این سعی بلیغ علل مختلفی دارد که رفع تکلیف از مهم ترین آن هاست. البته نمی توان از تلاش گسترده، عمیق و تشکیلاتی "انجمن حجتیه" و عوامل پنهان آنان که تفکرشان در این پیام بعنوان مهمترین آسیب حوزه های علمیه شمرده شده، چشم پوشی کرد. کاری که درباره تمام فعالیت های ضد انجمن به خوبی انجام داده اند.

چنان که گفته شد قسمت عمده این پیام مربوط به "انجمن حجتیه" ای است که ظاهراً در سال ۱۳۶۲ در پی سخنرانی حضرت امام (ره) در عید سعید فطر با پیام مؤسس آن (شیخ محمود حلبی) تعطیل گردید و بعد از گذشت پنج سال حضرت امام (ره) در این پیام فرمودند: «طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این

گروه همچنان باز است و شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض شده است.»

البته در خرداد همان سال نیز حضرت امام (ره) در پیامی شدیداللحن خطاب به فقهاء شورای نگهبان فرمودند: «حواستان را جمع کنید که نکند یک مرتبه متوجه شوید که "انجمن حجتیه" ای ها همه چیزتان را نابود کرده‌اند.»[1]

کتاب پیش روی، متن "منشور روحانیت" بصورت مصوّر است که امیدواریم انتشار آن باعث نشر این پیام مهم تاریخی و اعتلای حوزه های علمیه باشد.

---

۱ - صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۶۱۲

تجلیـل از علمای راستین

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات روحانیون سراسر کشور و مراجع بزرگوار اسلام و مدرسین گرام و طلاب عزیز حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات- دامت برکاتهم. صلوات و سلام خدا و رسول خدا بر ارواح طیبه شهیدان خصوصاً شهدای عزیز حوزه ها و روحانیت.

درود بر حاملان امانت وحی و رسالت پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بردوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده‌اند. سلام بر حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیاتشان گوهر شب‌چراغ ساخته‌اند.



افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال[1] تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبک‌بالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند.

سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود منذران[2] صادقی شدند که بند بند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره‌پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقاً از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی‌رود که در

---

۱ - رشته و ریسمان

۲ - ترساننده، بیم دهنده

دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم خود، اولین قربانی‌ها را بدهد و مهر ختام دفترش شهادت باشد. آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه‌ها و روحانیت را درک کرده‌اند در خلسه حضورشان آرزویی جز شهادت ندیده‌اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرب جز عطیه شهادت نخواسته‌اند. البته همه مشتاقان و طالبان هم به مراد شهادت نرسیده‌اند.


شهید هاشمی نژاد


شهید مطهری

یکی چون من عمری در ظلمات حصارها و حجاب‌ها مانده است و در خانه عمل و زندگی جز ورق و کتاب منیت نمی‌یابد و دیگری در اول شب یلدای زندگی سینه سیاه هوس‌ها را دریده است و با سپیده سحر عشق عقد وصال و شهادت بسته است. و حال من غافل که هنوز از کتم[۳] عدم‌ها به وجود نیامده‌ام، چگونه از وصف قافله سالاران وجود وصفی کنم؟ من و امثال من از این قافله فقط بانگ جرسی می‌شنویم، بگذارم و بگذرم.

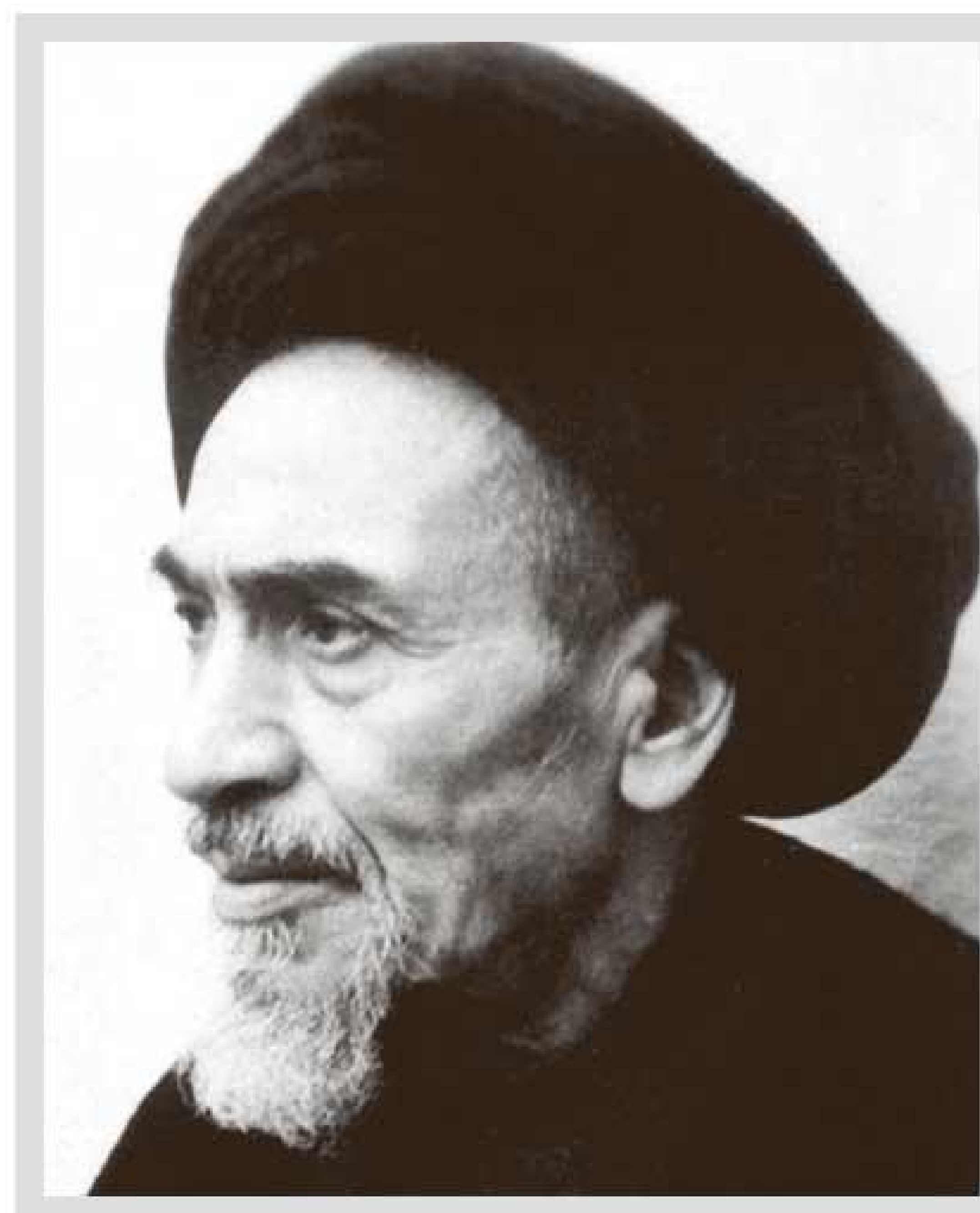
تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجروی‌ها بوده‌اند. علمای بزرگ اسلام در همه عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند.

---

۳ - پنهان کردن، لایه پنهانی و درونی هر چیزی

نقش فقهاء در حفظ و تبیین دین

اگر فقهاء عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت(علیهم السلام) به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین(علیهم السلام) و ثبت و تبویب[۴] و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون کتب اربعه[۵] و کتاب‌های دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم. اگر ما نام این‌همه زحمت و مرارت را جهاد فی سبیل الله نگذاریم، چه باید بگذاریم؟


آیت الله میلانی

۴ - فصل بندی، جدا کردن ابواب

۵ - کتاب های چهارگانه معتبر احادیث فقهی شامل: التهذیب، الاستبصار(شیخ طوسی)، من لایحضره الفقیه(شیخ صدوق)، الکافی(شیخ مفید)

نقش حوزه های علمیه در امور اجتماعی

در بعد خدمات علمی حوزه‌های علمیه سخن بسیار است که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد. بحمدالله حوزه‌ها از نظر منابع و شیوه‌های بحث و اجتهاد، غنی و دارای ابتکار است. تصور نمی‌کنم برای بررسی عمیق همه‌جانبه علوم اسلامی طریقه‌ای مناسب‌تر از شیوه علمای سلف یافت شود. تاریخ بیش از هزار ساله تحقیق و تتبع علمای راستین اسلام گواه بر ادعای ما در راه بارور ساختن نهال مقدس اسلام است.



آیت الله طالقانی

صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهاء بزرگوار سیراب شده اند. از مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان[۶] است که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارت ها و تلخی‌هایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارت‌ها و تبعیدها، زندان‌ها و اذیت و آزارها و زخم زبان‌ها، شهدای گران‌قدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند.

شهدای روحانیت منحصر به شهدای مبارزه و جنگ در ایران نیستند، یقیناً رقم شهدای گمنام حوزه‌ها و روحانیت که در مسیر نشر معارف و احکام الهی به دست مزدوران و نامردمان، غریبانه جان باخته‌اند زیاد است.

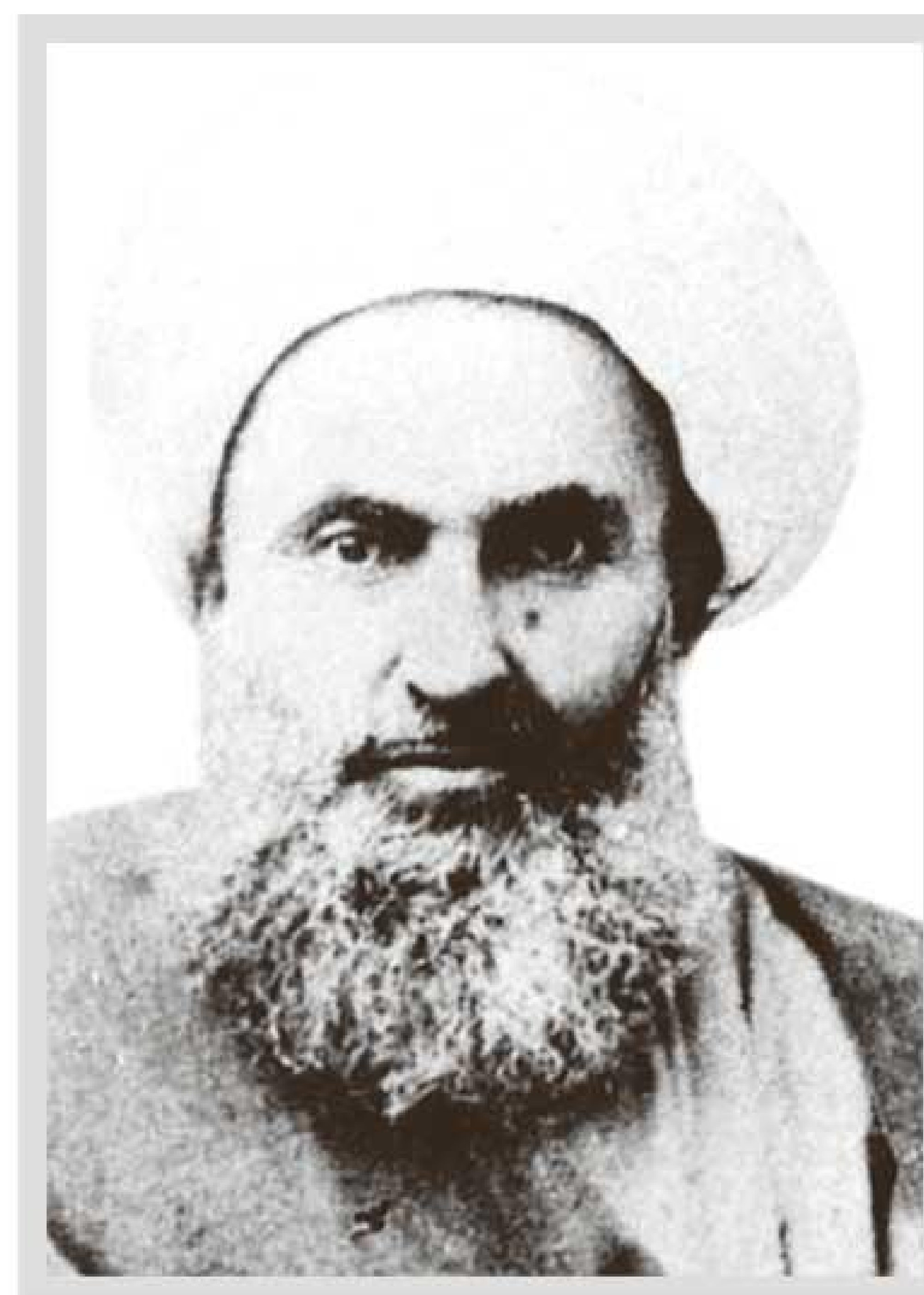
---

۶ - مداد العلماء افضل من دماء الشهداء

علماء دین، پیشتازان عرصه مبارزه با طاغوت

در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبین‌شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی- اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش‌کسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگ‌فرش های حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟


شهید میرزا کوچک خان جنگلی


شهید شیخ فضل الله نوری

در ۱۵خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده‌اند؟ خدا را سپاس می‌گزاریم که از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلول‌های مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه‌ها و میادین مین، خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاهت را گلگون کرده است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه‌ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است.

بیش از دو هزار و پانصد نفر از طلاب علوم دینیه در سراسر ایران در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این رقم نشان می‌دهد که روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران تا چه حد مهیا بوده است.

شهید محلاتی





شهید شاه آبادی

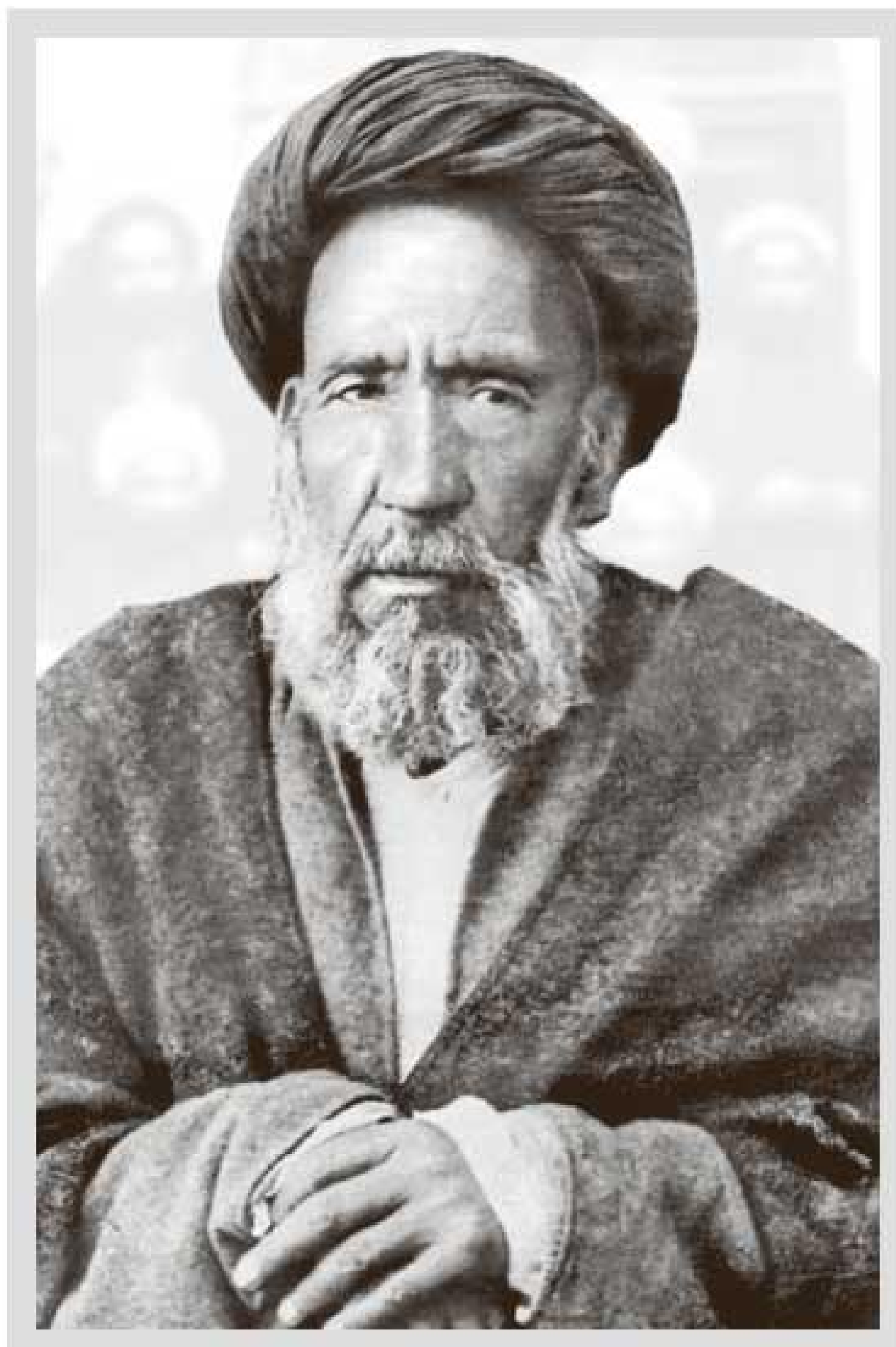


روحانیت و مبارزه با سرمایه داری

امروز نیز همچون گذشته شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان از مصر و پاکستان و افغانستان و لبنان و عراق و حجاز و ایران و اراضی اشغالی به سراغ شیردلان روحانیت مخالف شرق و غرب و متکی به اصول اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) رفته‌اند و از این پس نیز جهان اسلام هر از چند گاه شاهد انفجار خشم جهان‌خواران علیه یک روحانی پاک‌باخته است.


سید جمال الدین اسدآبادی

علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه‌داران در یک کاسه است. و خداوند کسانی را که این گونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد.



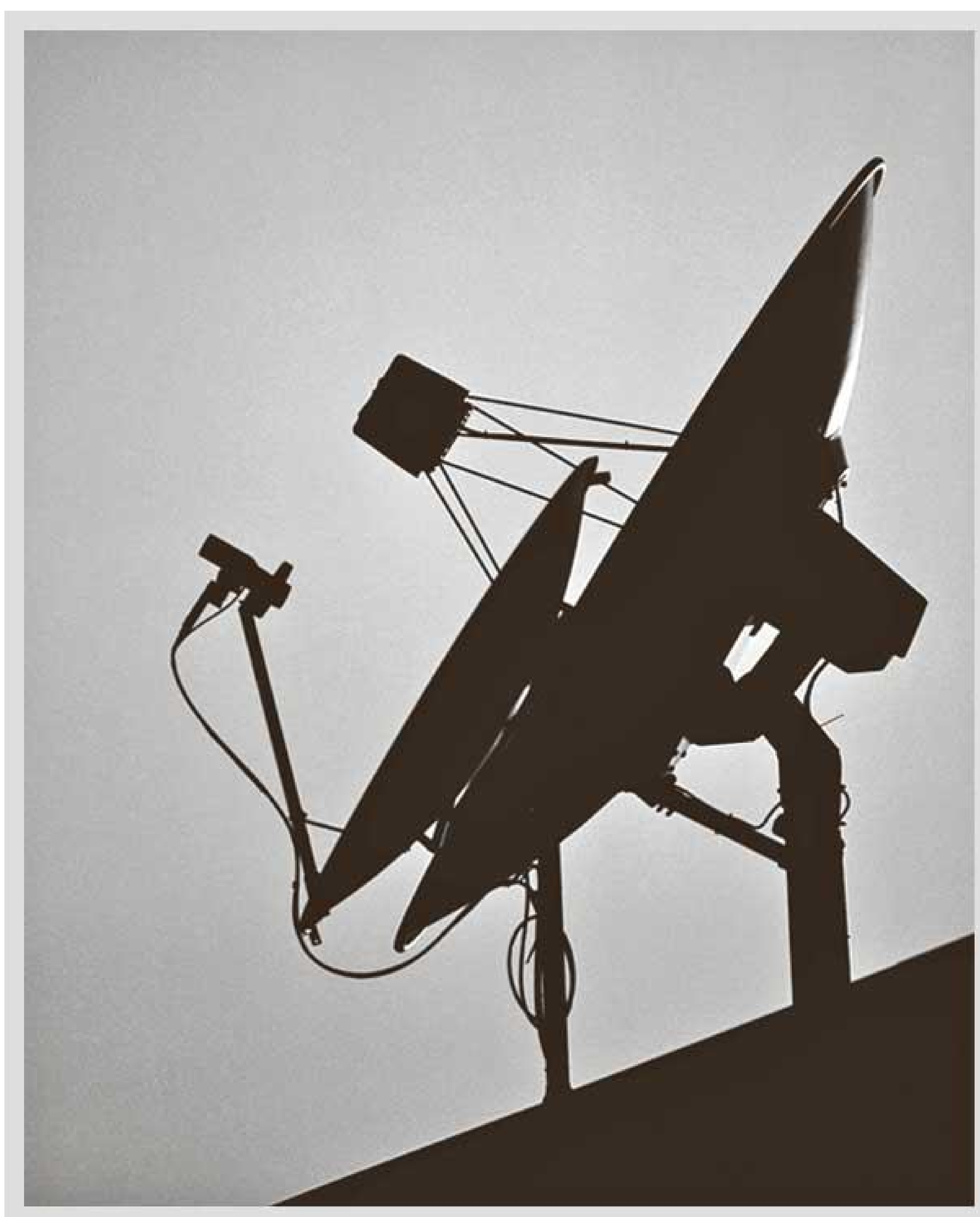
شهید آیت الله مدرس

روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالوصفت تشنه است و هرگز با آنان سر آشتی نداشته و نخواهد داشت. آن‌ها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پرفتوت آنان برای کسب معارف می‌کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگ‌واری زیستند.

در ترویج روحانیت و فقاهت نه زور سرنیزه بوده است، نه سرمایه پول‌پرستان و ثروت‌مندان، بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده‌اند.

علت مخالفت روحانیون با برخی مظاهر تمدن

مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط آمیز کنند. علمای راستین از بس که دروغ و فریب از جهان‌خواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آن ها را می‌دادند.



آیا رادیو و تلویزیون در کشورهایی چون ایران وسایلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و تلویزیون برای بی‌اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی‌نمود؟

رمز حیات و پایداری روحانیت

به هر حال خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهم‌تر از همه احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است و چه عزتی بالاتر از اینکه روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است و نهال مقدس فقاهت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است.





میرزا جواد آقا تهرانی



مبارزه استعمار با روحانیت اصیل


امام موسی صدر

راستی اگر کسی فکر کند که استعمار، روحانیت را با این‌همه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی‌کند، ساده‌اندیشی نیست؟

مسئله کتاب آیات شیطانی[7] کاری حساب شده برای زدن ریشه دین و دین‌داری و در رأس آن اسلام و روحانیت است. یقیناً اگر جهان‌خواران می‌توانستند، ریشه و نام روحانیت را می‌سوختند ولی خداوند همواره حافظ و نگهبان این مشعل مقدس بوده است و ان‌شاءالله از این پس نیز خواهد بود، به شرط آن‌که حیله و مکر و فریب جهان‌خواران را بشناسیم.

---

۷ - نویسنده این کتاب، سلمان رشدی، هندی الاصل مقیم انگلیس و عضو انجمن سلطنتی قلم انگلیس می باشد. در این کتاب وقیحانه به مقدسات اسلام، قرآن کریم و مقام شامخ پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) در قالب یک رمان مستهجن و ضد اخلاقی اهانت شده است. محافل صهیونیستی، دولت آمریکا و جهان غرب به حمایت از انتشار این کتاب برخاستند و حضرت امام خمینی(ره) با صدور فتوای ارتداد سلمان رشدی و وجوب قتل وی و ناشرین کتاب ضد اخلاقی او، به مقابله با هجوم فرهنگی دشمنان اسلام برخاست و موجی از بیداری و مقاومت در جهان اسلام پدید آورد.

خطر روحانیون وابسته

البته بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند.

امروز عده‌ای با ژست تقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست.

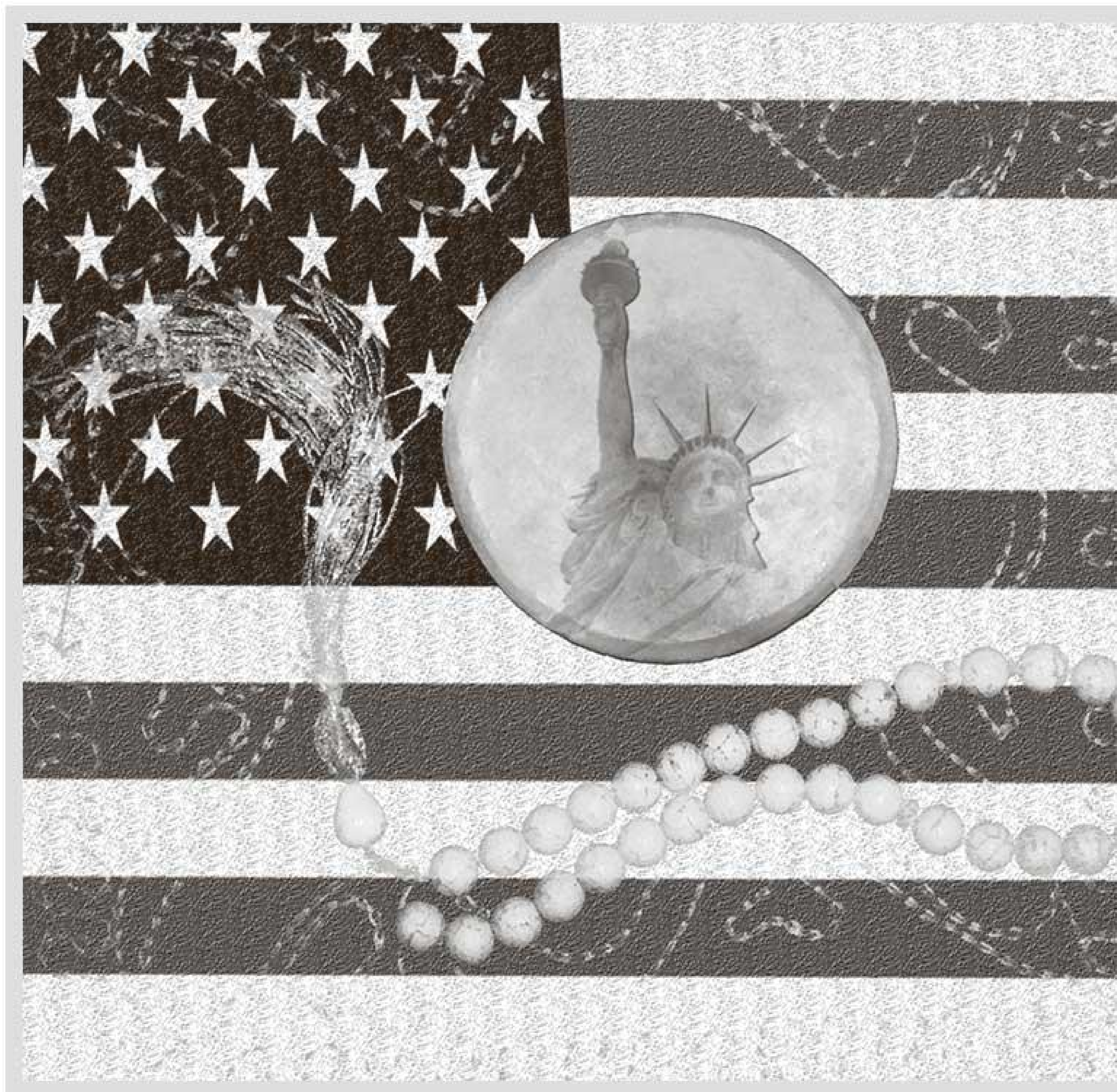






مروجین اسلام آمریکایی

طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، این‌ها مروج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن رسول الله. آیا در مقابل این افعی‌ها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟



راه های ضربه زدن استکبار به حوزه های علمیه

استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه‌زدن انتخاب نمود، یکی راه ارعاب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ در قرن معاصر. وقتی حربه ارعاب و تهدید چندان کارگر نشد، راه‌های نفوذ تقویت گردید.



محسن کدیور



یوسفی اشکوری

القای شعار جدایی دین از سیاست مهم ترین حرکت استعمار

اولین و مهم‌ترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دونشان فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد، یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند.



گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز، ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هست.



آسیب شعار جدایی دین از سیاست

در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس‌نمای واپسگرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آن‌ها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است.

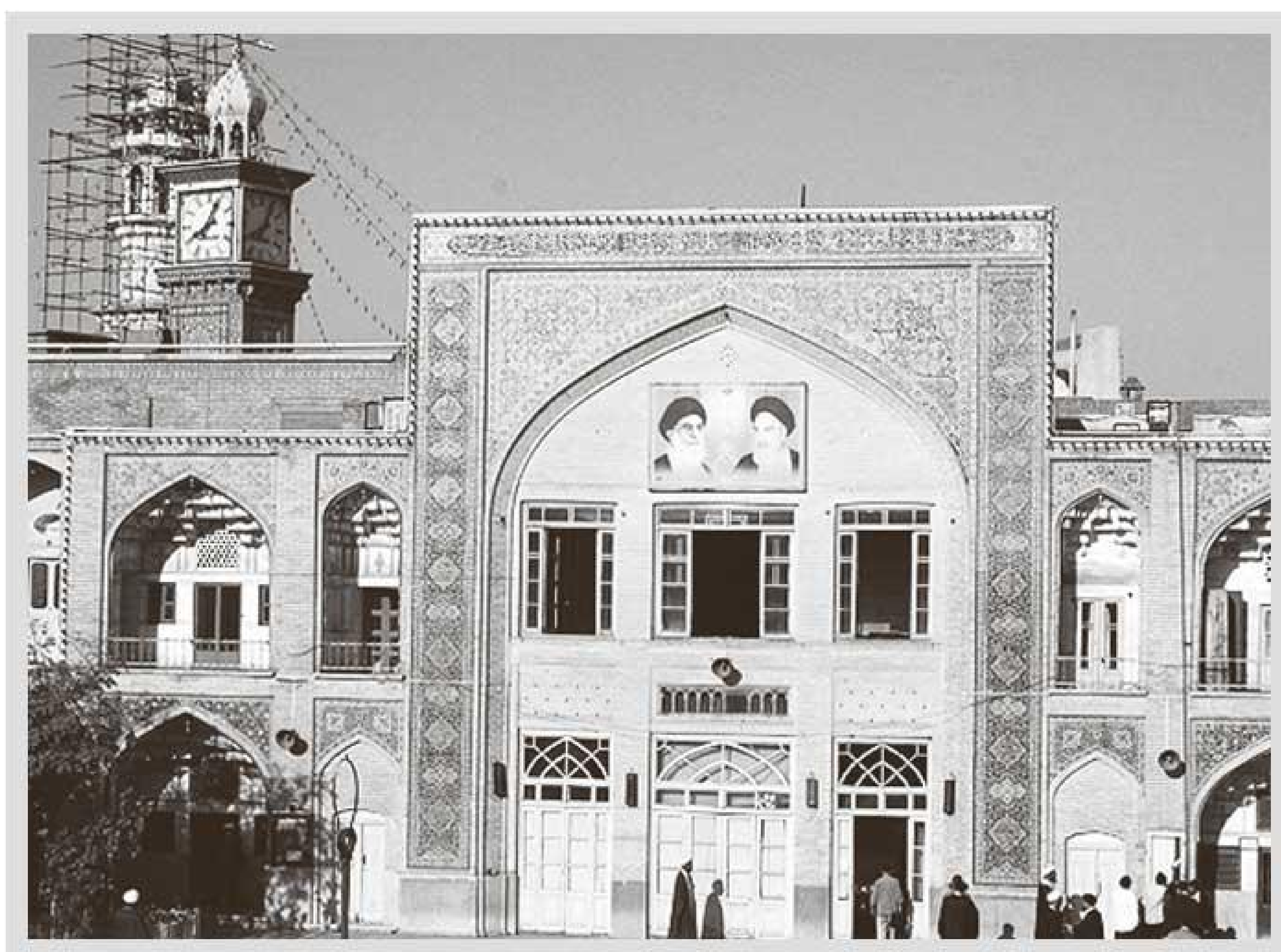


وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاهت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست «و» حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد.

مجد واقعی حوزه

به زعم بعضی افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش ببارد و الا عالم سیاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هر کس کج راه می‌رفت متدین‌تر بود. یادگرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک به شمار می‌رفت.

در مدرسه فیضیه فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود.



تذکر جدی به طلاب جوان

علمای دین باور در همین حوزه‌ها تربیت شدند و صفوف خویش را از دیگران جدا کردند. قیام بزرگ اسلامی‌مان نشأت گرفته از همین بارقه است. البته هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند و یکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود، همین قضیه است که چگونه در دوران وانفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده‌لوحان بی‌سواد، عده ای کمر همت بسته‌اند و برای نجات اسلام و حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشته‌اند. اوضاع مثل امروز نبود، هر کس صددرصد معتقد به مبارزه نبود زیر فشارها و تهدیدهای مقدس‌نماها از میدان به در می‌رفت.



شهید مطهری

تلاش روحانیون مجاهد در مقابل انحرافات

ترویج تفکر شاه سایه خداست و یا با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و این‌که ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه‌کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان(علیه السلام) باطل است و هزاران إن قُلت دیگر، مشکلات بزرگ و جان‌فرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آن ها را گرفت، تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند.



شهید اندرزگو

نقش منفی روحانیون مقدس نما در قیام پانزده خرداد

اولین و مهم‌ترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می‌نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حیله و مقدس‌مآبی و تحجر بود، گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید. در آن زمان روزی نبود که حادثه‌ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار آمریکا و شاه به شایعات و تهمت‌ها متوسل شدند حتی نسبت تارک الصلوة و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده داشتند، می‌دادند.





واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می‌گریست که چگونه آمریکا و نوکرش پهلوی می‌خواهند ریشه دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس‌نمای ناآگاه یا بازی خورده و عده‌ای وابسته که چهره‌شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می‌نمودند.

ضربه مقدسین روحانی نما به اسلام

آن‌قدر که اسلام از این مقدسین روحانی‌نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه ها را بیش از این تلخ نکنم.



باز بودن پرونده مقدس مآبان و دین فروشان

ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز شده‌اند. آن‌ها که به خود اجازه ورود در امور سیاست را نمی‌دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند.

غائله قم و تبریز[8] با هماهنگی چپی‌ها و سلطنت‌طلبان و تجزیه‌طلبان کردستان تنها یک نمونه است که می‌توانیم ابراز کنیم که در آن حادثه ناکام شدند ولی دست برنداشتند و از کودتای نوژه[9] سر درآوردند، باز خدا رسوایشان ساخت.


کاظم شریعتمداری


صادق قطب زاده

---

۸ - در سال ۱۳۵۸ طرفداران حزب نوظهور خلق مسلمان به بهانه دفاع از آقای شریعتمداری، در شهر قم و تبریز دست به آشوب و بلوا زدند ولی با هوشیاری مردم غیور و مسلمان آذربایجان و قم این توطئه خنثی و حزب مذکور منحل و غیرقانونی اعلام گردید.

۹ - در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۱۹ ماجرای کودتایی که از مدت ها قبل از طریق عوامل سازمان سیا در ایران تدارک دیده شده بود و در آستانه اجرای عملیات کودتا که طبق آن بیت امام خمینی(ره) و مراکز حساس نظام جمهوری اسلامی بمباران و تهران به تصرف عوامل وابسته به بیگانه در می آمد، به گونه ای معجزه آسا کشف و عوامل کودتا دستگیر شدند. شرح ماجرای کودتا را در کتاب کودتای نوژه از انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی ببینید. نام این کودتا به خاطره انتخاب پایگاه هوایی نوژه که قبل از پیروزی انقلاب به پایگاه شاهرخی در همدان معروف بود و پس از انقلاب به پایگاه حر تغییر نام داد و به واسطه شهادت یکی از افسران، پایگاه به نام شهید نوژه نام گذاری گردید، به عنوان اولین پایگاه تجمع و اقدام برگزیده شده بود.

استفاده از ابزار تهمت

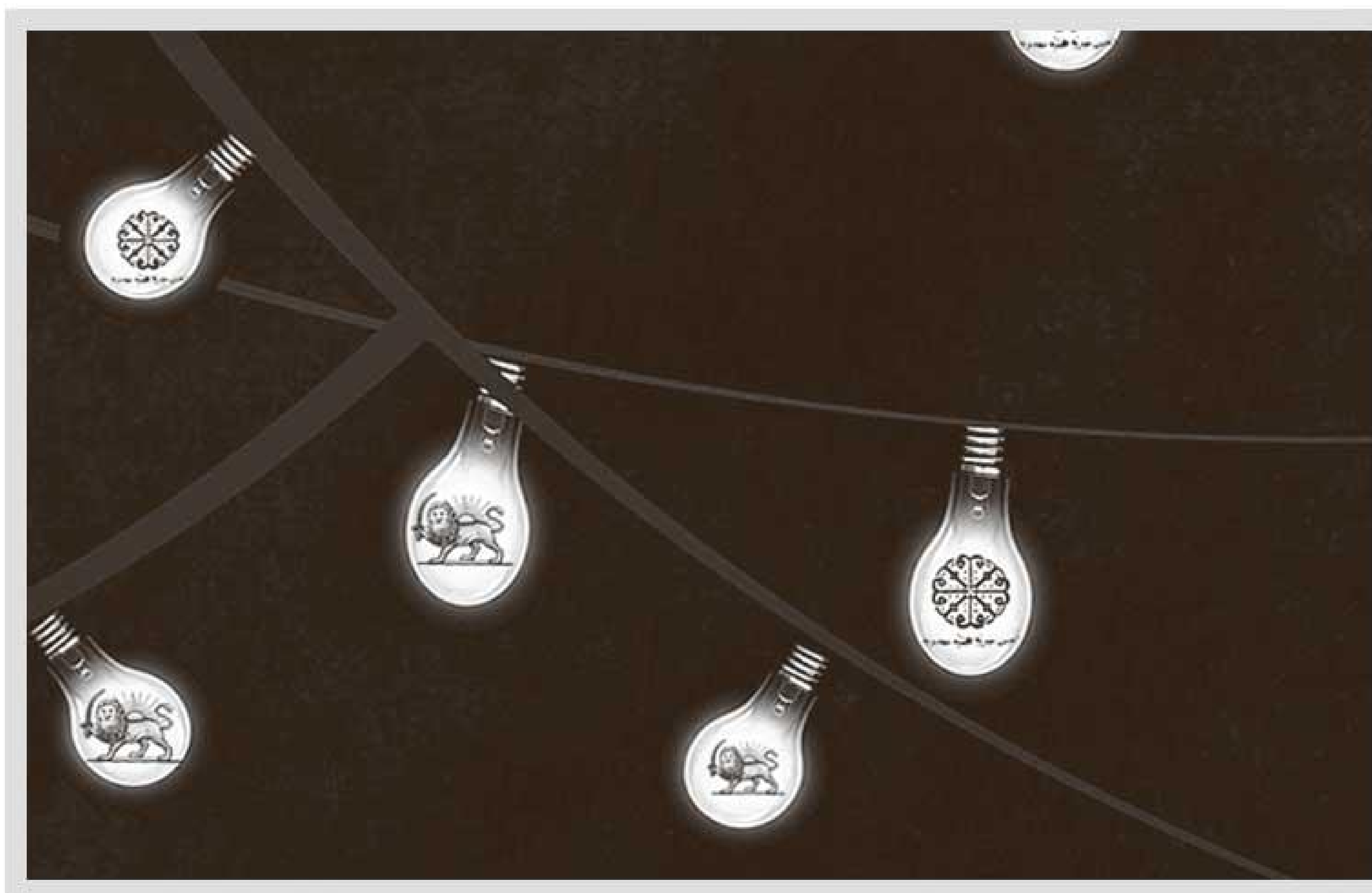
دسته‌ای دیگر از روحانی‌نماهایی که قبل از انقلاب، دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانه دربار می‌ساییدند، یک‌مرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آن‌همه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند.

دیروز مقدس‌نماهای بی‌شعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند! تا دیروز مشروب‌فروشی و فساد و فحشاء و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان(ارواحنا فداه) را مفید و راه‌گشا می‌دانستند، امروز از این که در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ می‌دهد، فریاد وا اسلاما سر می‌دهند!



تلاش به نفع شاه

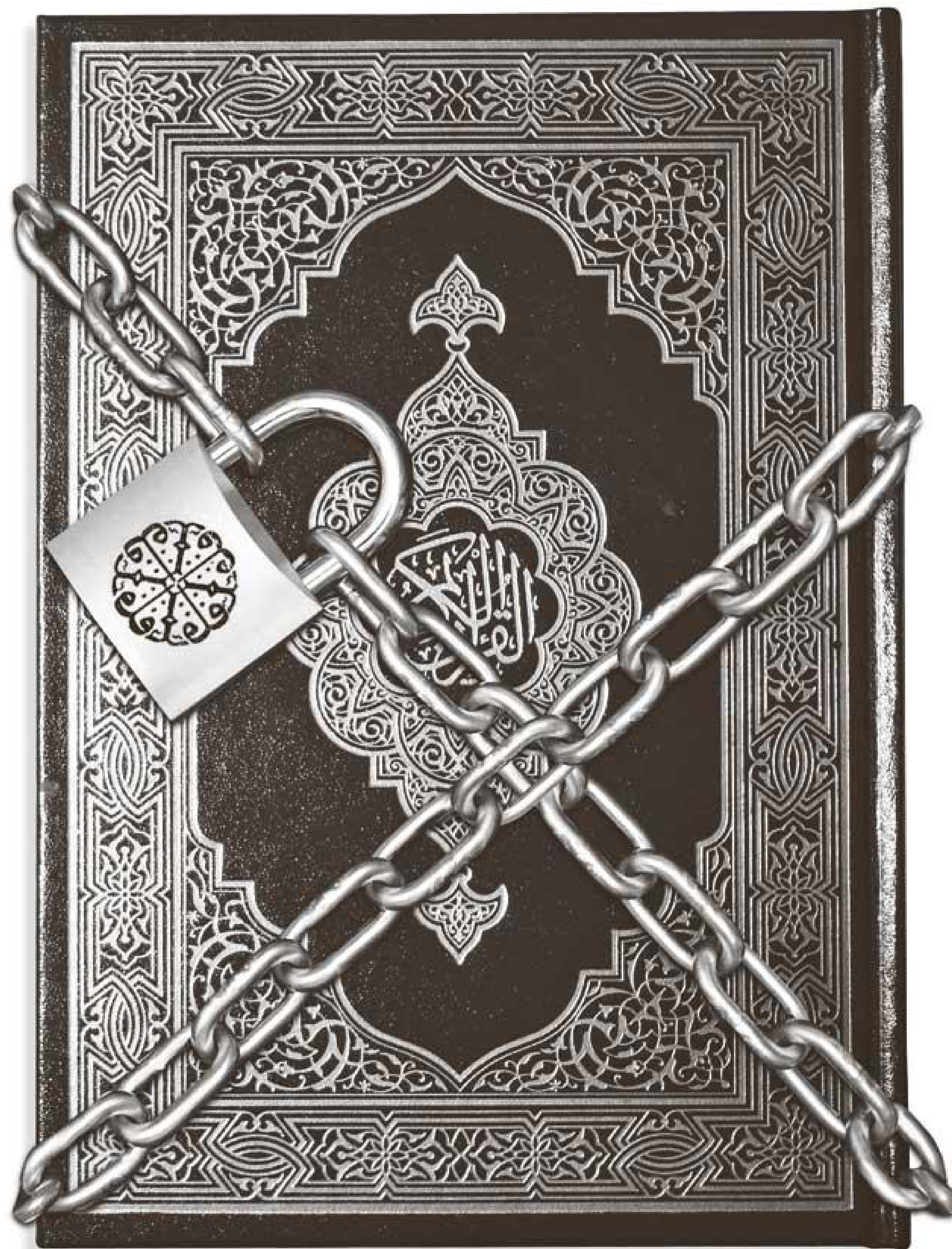
دیروز حجتیه‌ای ها[۱۰] مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند!



۱۰ - اعضاء و وابستگان انجمن حجتیه

ولایت در نظر متحجرین

ولایتی‌های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند!



نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه ها

راستی اتهام آمریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرام‌ها و حرام کردن حلال‌ها، اتهام کشتن زنان آبستن و حلیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می‌شود؟ از آدم‌های لامذهب یا از مقدس‌نماهای متحجر و بی‌شعور؟! فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعن‌ها و کنایه‌ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست؟ کار عوام یا خواص؟ خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معمّمین یا غیر آن؟ بگذریم که حرف بسیار است. همه این‌ها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌هاست، و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است.



وظایف روحانیون

از یک طرف وظیفه تبیین حقایق و واقعیات و اجرای حق و عدالت در حد توان و از طرف دیگر مراقبت از نیفتادن سوژه‌ای به دست دشمنان کار آسانی نیست.



شهید بهشتی

تبلیغات سوء باندها

با این‌که در کشور ما در اجرای عدالت بین روحانی و غیر آن امتیازی نیست، ولی وقتی با متخلفی از روحانیت خوش سابقه یا بدسابقه برخورد شرعی و قانونی و جدی می‌شود، فوراً باندها فریاد می‌زنند که چه نشسته‌اید، جمهوری اسلامی می‌خواهد آبروی روحانیت را ببرد. اگر احیاناً کسی مستحق عفو بوده و بخشیده شود، تبلیغ می‌کنند که نظام به روحانیت امتیاز بی‌جا می‌دهد.



کاظمینی بروجردی

عدم امتیازدهی نظام به افراد و گروه ها

مردم عزیز ایران باید مواظب باشند که دشمنان از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به اصطلاح روحانیون سوء استفاده نکنند و با موج‌آفرینی و تبلیغات اذهان را نسبت به روحانیون متعهد بدبین ننمایند و این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچ‌کس قائل نیست و خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخلفی از من هم سر زند مهیای مؤاخذه‌ام.



حفظ اتحاد طلاب اولین وظیفه شرعی و الهی

حال بحث این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها چه باید کرد؟ گرچه کار مشکل است ولی چاره چیست؟ باید فکری کرد. اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی حفظ شود وگرنه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل.

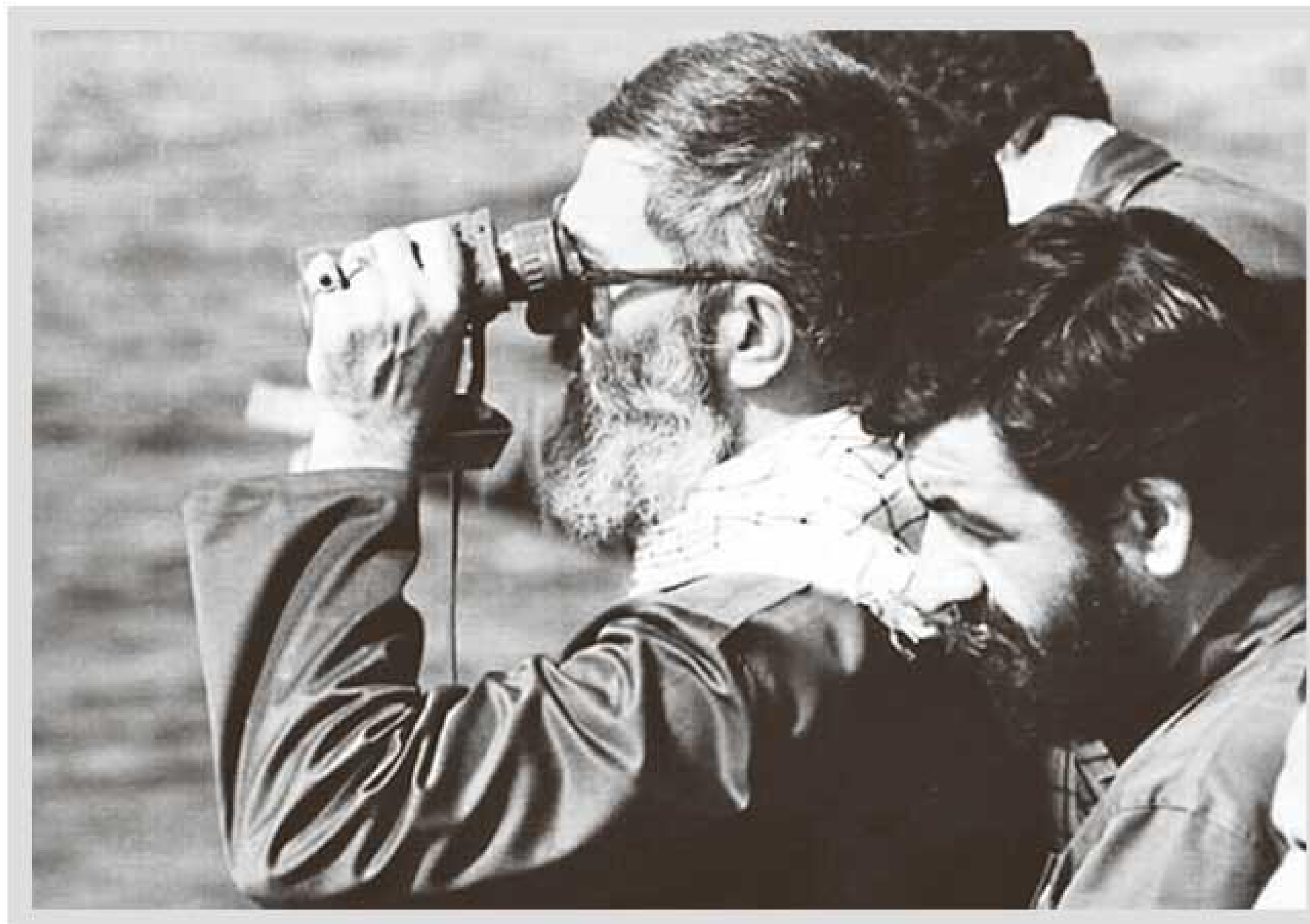
امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه‌ها و برداشت‌ها و حتی ضعف مدیریت‌ها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد. ممکن است هر کس در فضای ذهن و ایده‌های خود نسبت به عملکردها و مدیریت‌ها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین انتقادی داشته باشد، ولی لحن و تعابیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرت‌ها که همه مشکلات و نارسایی‌ها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعف‌ها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیر منصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین می‌برد و زمینه را برای ورود بی‌تفاوت ها و بی‌دردها به صحنه انقلاب آماده می‌کند.



دفاع از عملکرد نظام و جنگ

من امروز بر این عقیده‌ام که مقتدرترین افراد در مصاف با آن‌همه توطئه‌ها و خصومت‌ها و جنگ‌افروزی هایی که در جهان علیه انقلاب اسلامی است، معلوم نبود موفقیت بیشتری از افراد موجود به دست می‌آوردند.

در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب خصوصاً از حوادث ده سال پس از پیروزی باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ در هیچ زمینه‌ای مغلوب و شکست خورده نیستیم، حتی در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن همه خسارات چیزی به دست نیاوردند. البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده ایم.





بر کات جنگ

هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلاب‌مان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنان‌مان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.



ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد، جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند،

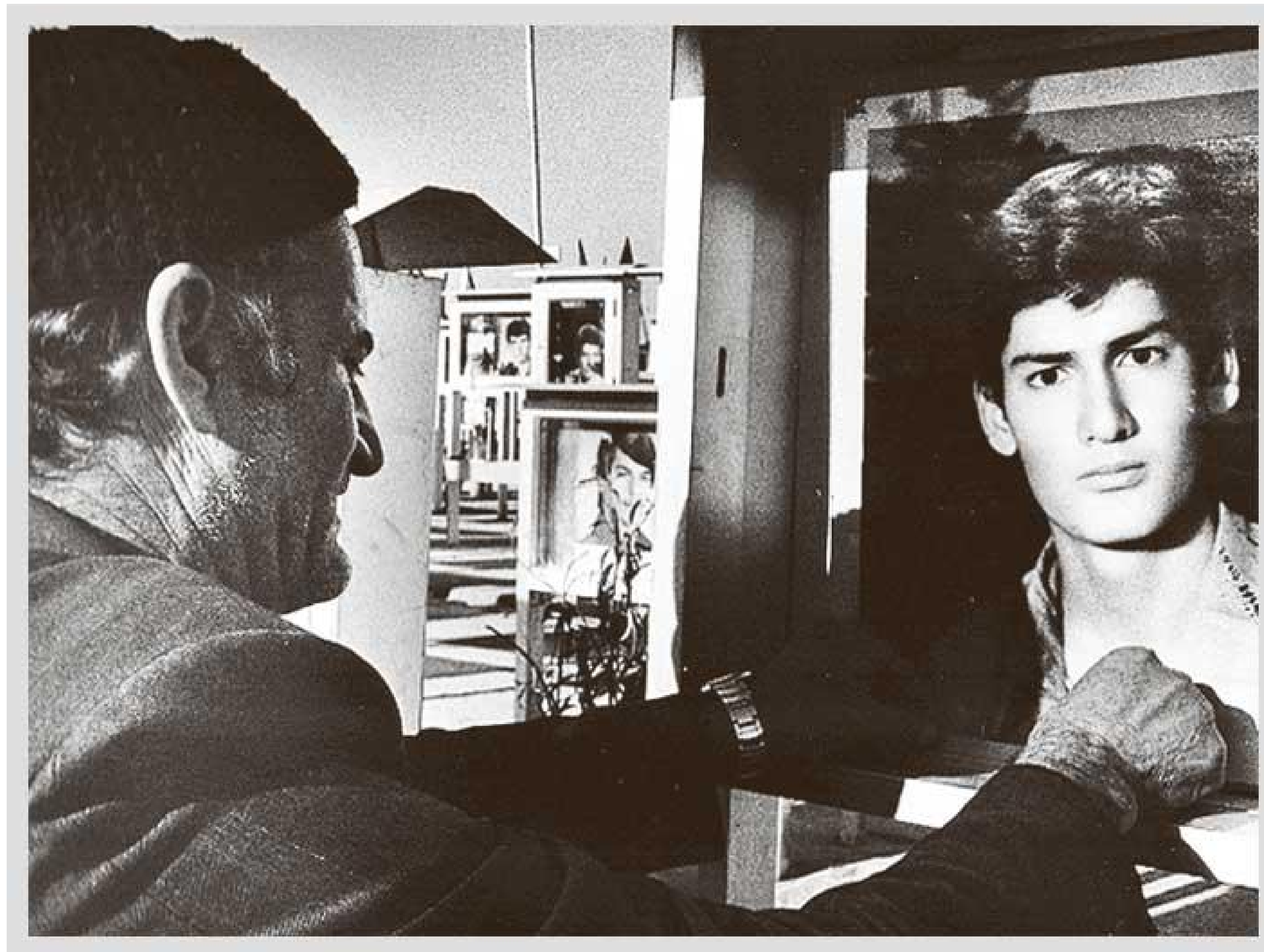
جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن‌چنانی برخوردار شد و از همه این‌ها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

همه این‌ها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه این‌ها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با آمریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت.



جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوته‌نظرند آن هایی که خیال می‌کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بی‌فایده است! درحالی که صدای اسلام‌خواهی آفریقا از جنگ هشت ساله ماست. علاقه به اسلام‌شناسی مردم در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست.

تجلیل از خانواده شهدا

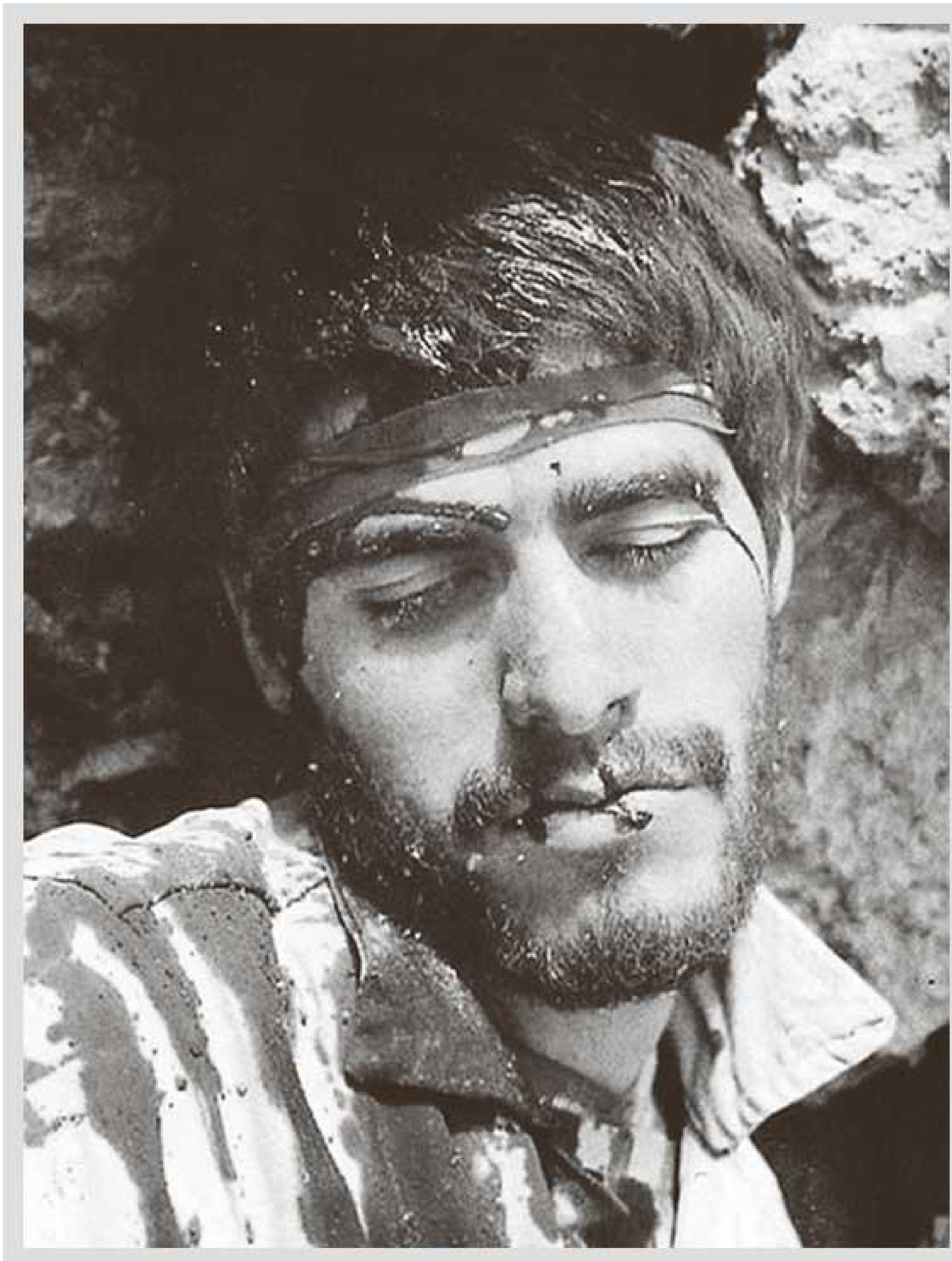


من در این‌جا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد.



جنگ و صلح تنها برای ادای تکلیف

ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود، و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از این که به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهارنظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب‌الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی‌اش عدول می‌کند.



تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟! تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیاء و معصومین(علیهم السلام) در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی‌بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلند مدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است ذکری به میان آورند.

شعارهای عملی شده

در حالی که به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه‌هایی که شعار داده است به موفقیت نایل شود. ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده‌ایم، ما شعار مرگ بر آمریکا را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمانان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی آمریکا تماشا کرده‌ایم، ما همه شعارهای‌مان را با عمل محک زده‌ایم.



تغییر تاکتیک به سبب موانع

البته معترفیم که در مسیر عمل، موانع زیادی به وجود آمده است که مجبور شده‌ایم روش‌ها و تاکتیک‌ها را عوض نماییم. ما چرا خودمان و ملت و مسئولین کشورمان را دست کم بگیریم و همه عقل و تدبیر امور را در تفکر دیگران خلاصه کنیم؟



هشدار به طلاب

من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر این‌که باید مواظب القائات روحانی‌نماها و مقدس‌مآب ها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی‌نماها و به ظاهر عقلای قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزی‌های بی‌مورد و ساده‌اندیشی‌ها سبب مراجعت آنان به پست‌های کلیدی و سرنوشت‌ساز نظام شود.



مهدی بازرگان



ابوالحسن بنی صدر

سپردن پست های کلیدی به لیبرال ها اشتباه بزرگ

من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعض تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست‌ها و امور مهمّه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن، به راحتی از میان نمی‌رود؛ گر چه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و الان هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی آمریکای جهان‌خوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده‌اند.



اسامی وزرای بازرگان و اعضای شورای انقلاب

کیهان

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ - ۸ ربیع‌الاول

برنامه دولت بازرگان

وظایف دولت موقت:
- برگزاری همه‌پرسی در باره تغییر رژیم
- برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان
- انجام انتخابات مجلس

بازرگان: از تهدید و دستگیری نمی‌ترسم

- اگر دستگیر شوم ممنون میشوم، چون راحت خواهم شد
- کابینه من سایه و خیال نیست، خیلی هم جدی است

امام خمینی:

جزای آنها که علیه حکومت ... قیام کنند، بسیار سخت است

بختیار:

به دعوت جامعه روحانیت تهران

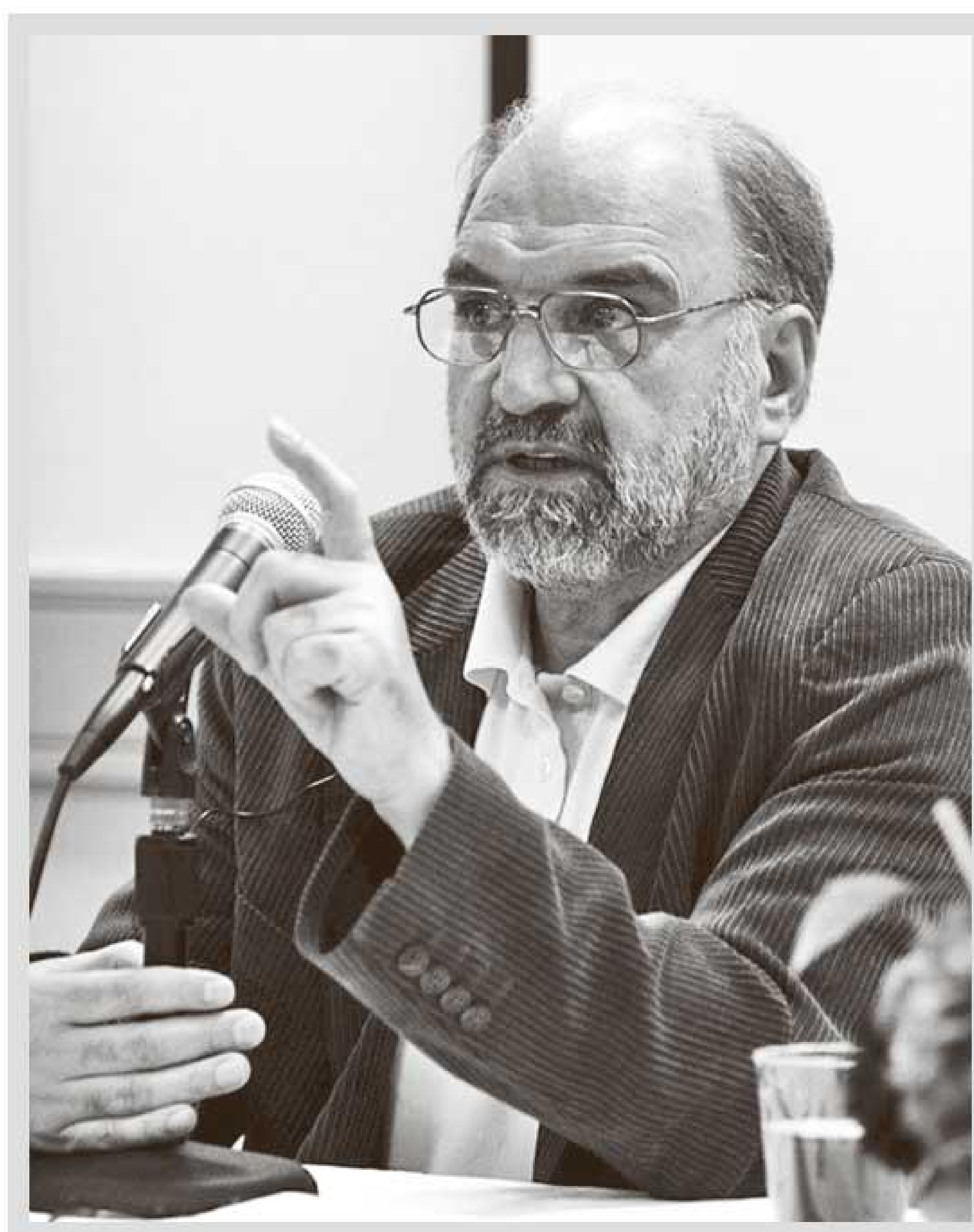
راه‌پیمائی بزرگ

عدم بدهکاری انقلاب به هیچ گروهی

انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می خوریم، آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ولی نه به قیمت طلب‌کاری آنان از همه اصول، که چرا مرگ بر آمریکا گفتید! چرا جنگ کردید! چرا نسبت به منافقین و ضدانقلابیون حکم خدا را جاری می‌کنید؟ چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟ چرا لانه جاسوسی را اشغال کرده‌ایم و صدها چرای دیگر.



اکبر گنجی



عبدالکریم سروش

هشدار نسبت به نفوذ لیبرال ها و منافقین

و نکته مهم در این رابطه این که نباید تحت تأثیر ترحم های بی‌جا و بی‌مورد نسبت به دشمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام، به گونه‌ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حدود الهی زیر سؤال بروند. من بعض از این موارد را نه تنها به سود کشور نمی دانم که معتقدم دشمنان از آن بهره می‌برند، من به آن‌هایی که دستشان به رادیو - تلویزیون و مطبوعات می‌رسد و چه بسا حرف های دیگران را می‌زنند صریحاً اعلام می کنم: تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرال‌ها بیفتد، تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی پناه را از بین ببرند، تا من هستم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد، تا من هستم دست ایادی آمریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می کنم و اطمینان کامل دارم که تمامی مردم در اصول همچون گذشته پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی خود هستند که علاوه بر ده‌ها و صدها صحنه اعلام حضور و آمادگی خود امسال نیز در راهپیمایی ۲۲بهمن حقیقت آمادگی کامل خویش را به جهانیان نشان دادند و واقعاً دشمنان انقلاب را شگفت زده کردند که تا کجا حاضر به فداکاری‌اند.



مسعود رجوی

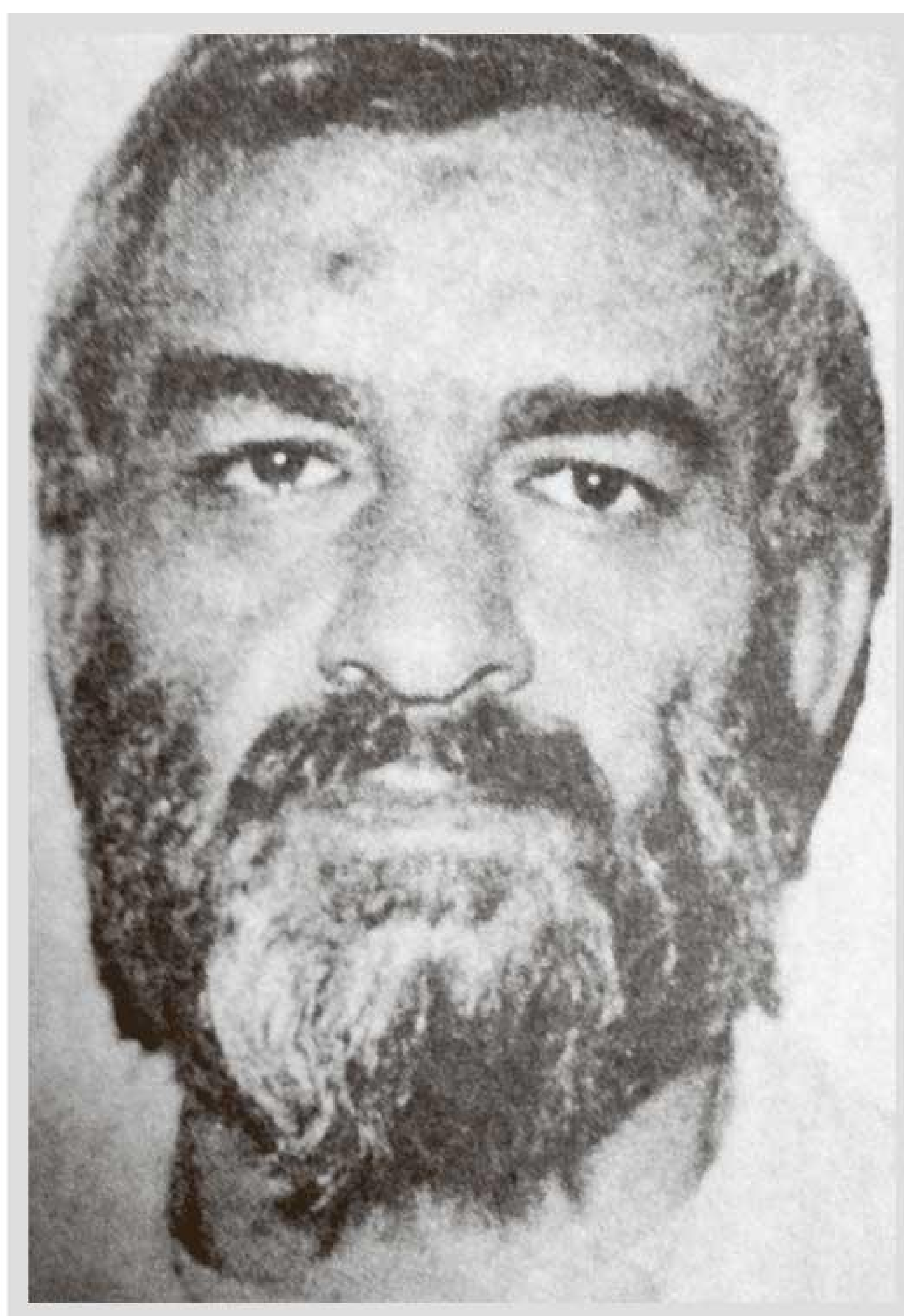
تقدیر از مردم انقلابی

من در این‌جا خود را شرمنده و کوچک‌تر از آن می دانم که زبان به وصف و تقدیر از آنان بگشایم. خداوند پاداش عظیم این همه اخلاص و رشد و بندگی را خواهد داد ولی به آنان که ناآگاهانه مردم شریف و عزیز ما را متهم به رویگردانی از اصول و انقلاب و روحانیت می‌کنند سفارش و نصیحت می‌کنم که در گفتار و کلمات و نوشته‌ها با دقت و مطالعه عمل کنند و برداشت‌ها و تصورات نابه‌جای خود را به حساب انقلاب و مردم نگذارند.



پرهیز از اختلاف و تجزیه روحانیت

مسئله دیگر این‌که امروز مقابله و تجزیه روحانیت انقلابی به سود کیست؟ دشمنان از دیرباز برای اختلاف‌افکنی میان روحانیون آماده شده‌اند. غفلت از آن، همه چیز را برباد می‌دهد. حال اختلاف به هر شکلی باشد، بدبینی شدید نسبت به مسئولین بالا باشد یا مرزبندی فقه سنتی و پویا و امثال آن. اگر طلاب و مدرسین حوزه علمیه با یکدیگر هماهنگ نباشند، نمی‌توان پیش‌بینی نمود که موفقیت از آن کیست و اگر بر فرض محال حاکمیت فکری از آن روحانی‌نماها و متحجرین گردد روحانیت انقلابی جواب خدا و مردم را چه می‌دهد.



سید مهدی هاشمی

إن‌شاءالله در بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی اختلافی نیست، اگر باشد بر سر چیست؟ بر سر اصول یا بر سر سلیقه‌ها؟ آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه های علمیه بوده‌اند - نعوذبالله - به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده‌اند؟ مگر همان‌ها نبودند که در کوران مبارزه حکم به غیرقانونی بودن سلطنت دادند؟ مگر همان‌ها نبودند که وقتی یک روحانی به ظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت، او را به مردم معرفی کردند؟ آیا مدرسین عزیز از جبهه و رزمندگان پشتیبانی ننمودند؟ اگر خدای ناکرده این‌ها شکسته شوند چه نیرویی جای آنان را خواهد گرفت؟ و آیا ایادی استکبار، روحانی‌نماهایی را که تا حد مرجعیت تقویت نموده است، فرد دیگری را بر حوزه‌ها حاکم نمی‌کنند؟ و یا آن‌ها که در توفان پانزده سال مبارزه قبل از انقلاب و ده سال حوادث کمرشکن بعد از انقلاب نه غصه مبارزه و نه غم جنگ و اداره کشور را خورده‌اند و نه از شهادت عزیزان متأثر شده‌اند و با خیالی راحت و آسوده به درس و مباحثه سرگرم بوده‌اند می‌توانند در آینده پشتوانه انقلاب اسلامی باشند؟



راستی شکست هر جناحی از علماء و طلاب انقلابی و روحانیون و روحانیت مبارز و جامعه مدرسین، پیروزی چه جناحی و چه جریانی را تضمین می کند؟ جناحی که پیروز شود یقیناً روحانیت نیست و اگر آن جناح الزاماً به روحانیت رو آورد، راستی به سراغ کدام قشر و تفکر از روحانیت می‌رود؟ خلاصه اختلاف به هر شکلی کوبنده است.

وقتی نیروهای مؤمن به انقلاب حتی به اسم فقه سنتی و فقه پویا به مرز جبهه‌بندی برسند، آغاز باز شدن راه استفاده دشمنان خواهد بود. جبهه‌بندی نهایتاً معارضه پیش می‌آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می‌کند، یکی متهم به طرفداری از سرمایه‌داری و دیگری متهم به التقاطی

می‌شود که من برای حفظ اعتدال جناح‌ها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام، چرا که همه را فرزندان و عزیزان خود می‌دانم البته هیچ‌گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام ولی نگران تقابل و تعارض جناح‌های مؤمن به انقلابم که مبادا منتهی به تقویت جناح رفاه‌طلب بی درد و نِق‌زن گردد. نتیجه می‌گیرم که اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بجنبند ابرقدرت‌ها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می‌دهند.

جامعه مدرسین باید طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتک‌خورده و جبهه رفته را از خود بدانند. حتماً با آنان جلسه بگذارند و از طرح‌ها و نظریات آنان استقبال نمایند و طلاب انقلابی هم مدرسین عزیز طرفدار انقلاب را محترم بشمارند و با دیده احترام به آنان بنگرند و در مقابل طیف بی‌عرضه و فرصت‌طلب و نِق‌زن ید واحده باشند و خود را برای ایثار و شهادت در راه هدایت مردم آماده‌تر کنند، حال جامعه و مردم، طالب حقیقت باشند مثل زمان ما که حقاً مردم بیشتر از آن چه که ما فکر می‌کنیم وفادار به روحانیت بوده و خواهند بود، یا نباشند مثل زمان معصومین(علیهم السلام).



علت تبلیغات بر علیه روحانیون

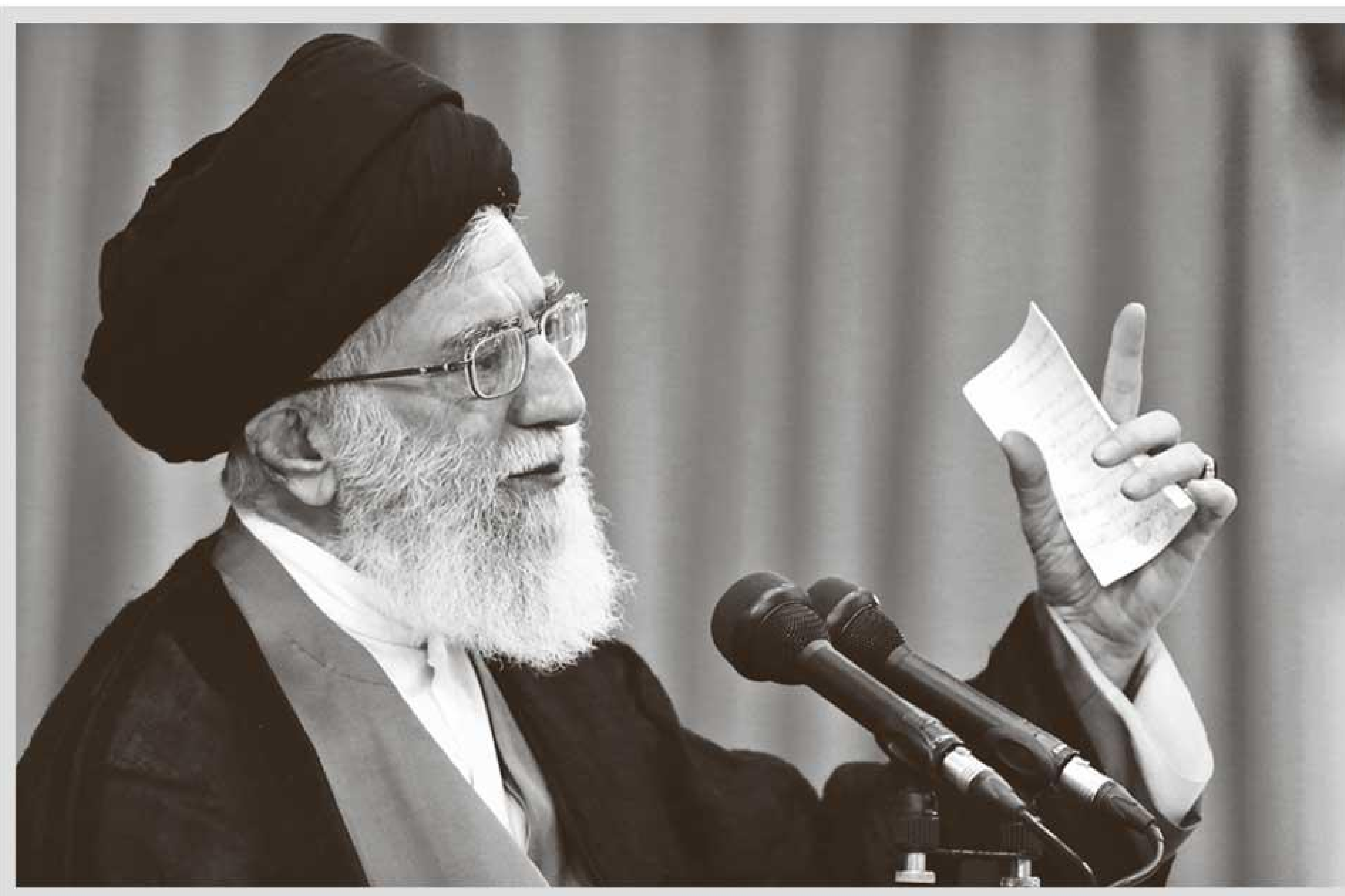
اما مردم شریف ایران توجه داشته باشند که نوعاً تبلیغاتی که علیه روحانیت انجام می‌پذیرد به منظور نابودی روحانیت انقلاب است، ایادی شیطان در تنگناها و سختی‌ها به سراغ مردم می‌روند که بگویند روحانیت مسبب مشکلات و نارسایی‌هاست، آن هم کدام روحانی، روحانی بی‌درد و بی‌مسئولیت نه، بلکه روحانیتی که در همه حوادث جلوتر از دیگران در معرض خطر بوده است.

کسی مدعی آن نیست که مردم و پابرهنه‌ها مشکلی ندارند و همه امکانات در اختیار مردم است. مسلم آثار ده سال محاصره و جنگ و انقلاب در همه جا ظاهر می‌شود و کمبودها و نیازها رخ می‌نماید ولی من با یقین شهادت می‌دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند امروز جز ننگ و ذلت و عار در برابر آمریکا و جهان‌خواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی چیزی برایمان نمانده بود.



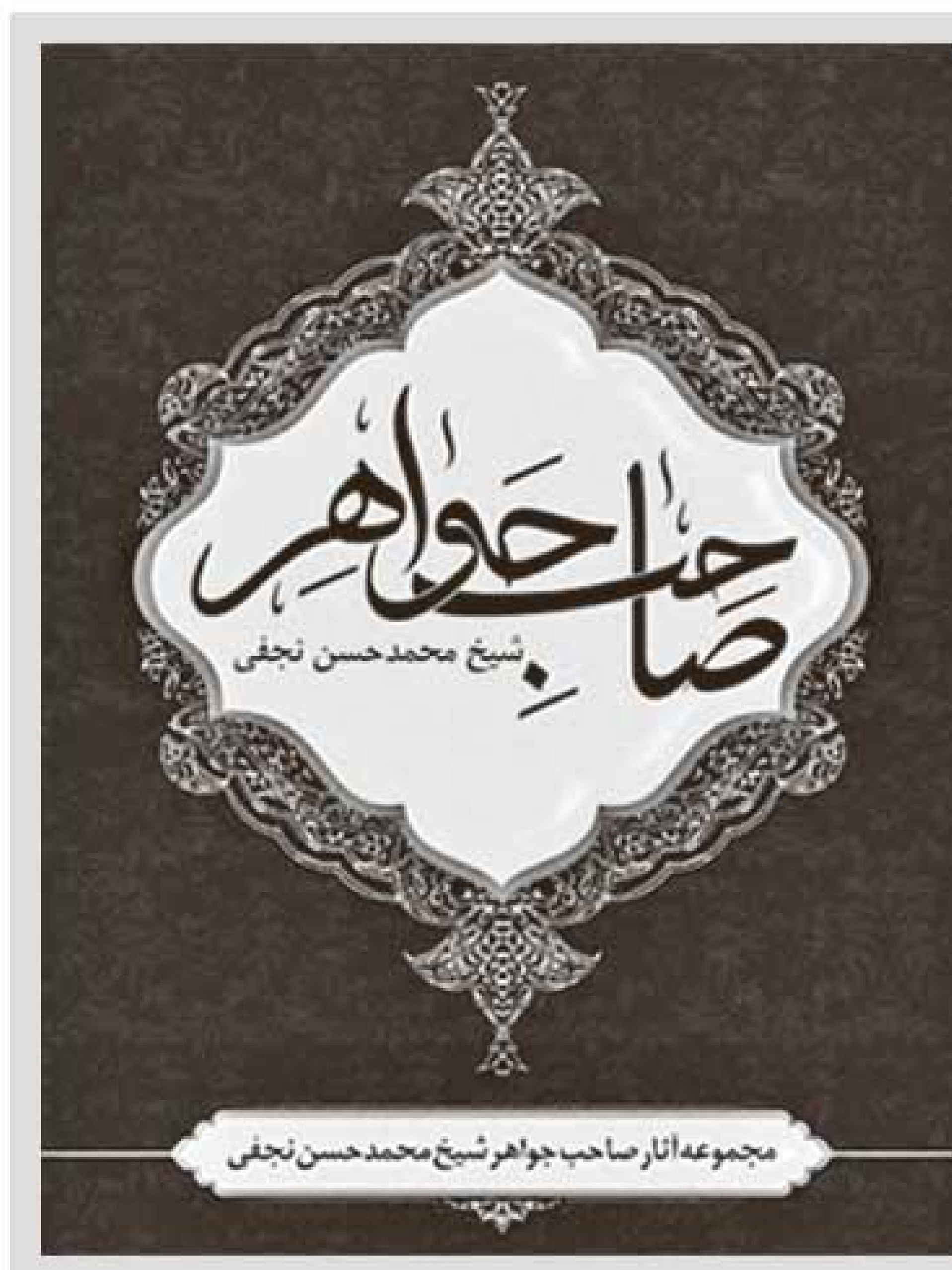
لزوم بصیرت برای حرکت در مسیر صحیح

لازم به یادآوری است که ذکر شمه ای از وقایع انقلاب و روحانیت به معنای آن نیست که طلاب و روحانیون عزیز در فردای این نوشته حرکت تند و انقلابی بنمایند بلکه هدف، علم و آگاهی به نکته‌هاست که در انتخاب مسیر با بصیرت حرکت کنند و خطرها و گذرها و کمینگاه‌ها را بهتر بشناسند.



توجه به فقه سنتی و اجتهاد جواهری پویا

اما در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این‌جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد.




شیخ محمدحسن نجفی

احاطه به مسائل زمان و سیاست از ویژگی های مجتهد جامع

مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهارنظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی های یک مجتهد جامع است.

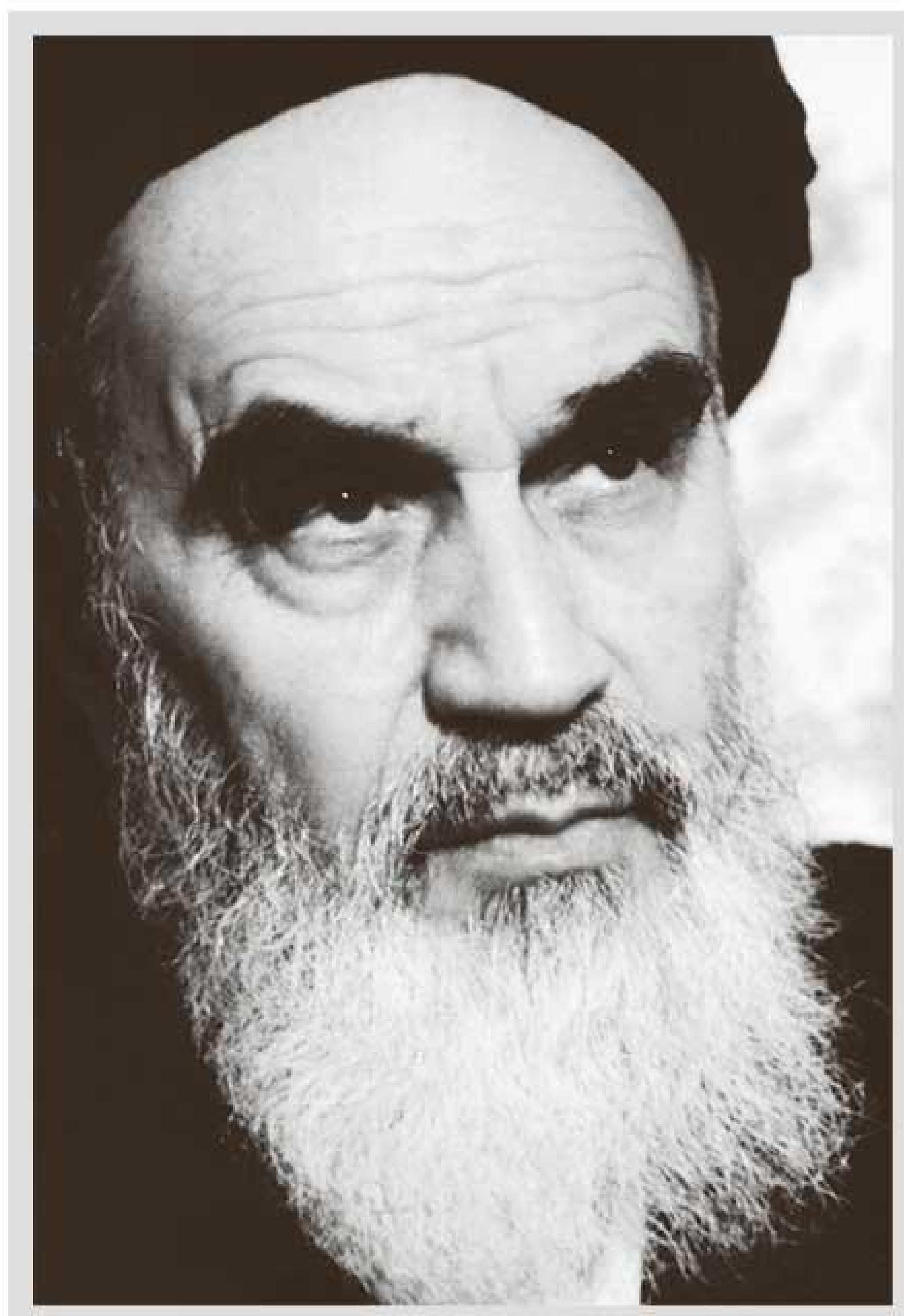
یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد.



حکومت اسلامی، حکومت فقه و احکام اسلام

حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تاگور است.

هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد.



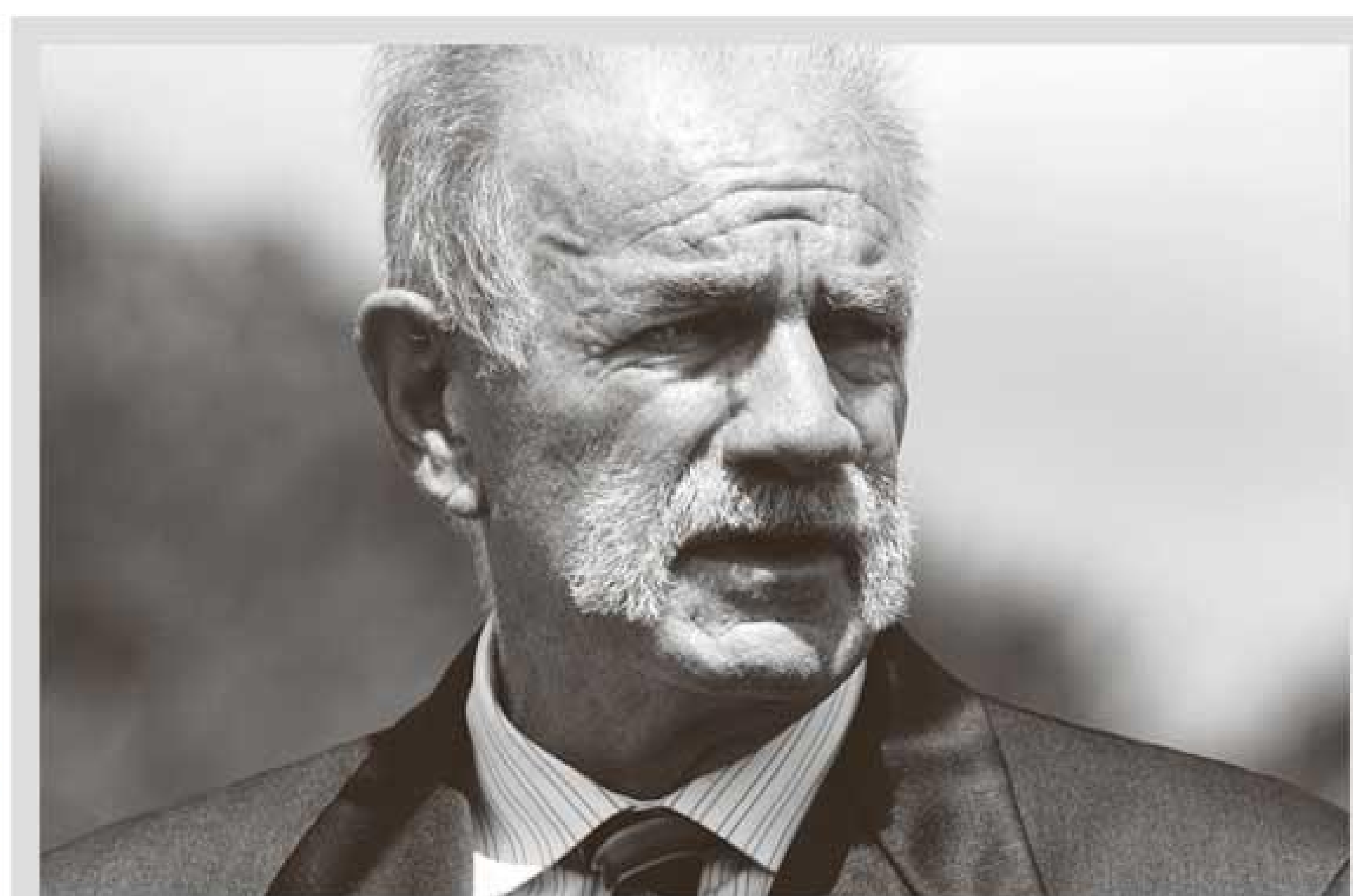


علت تلاش های دشمنان اسلام در تقابل با حکم ارتداد سلمان رشدی

راستی به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی مورد اتفاق همه علما در مورد یک مزدور بیگانه[11] این‌قدر جهان‌خواران برافروخته شدند و سران کفر و بازار مشترک و امثال آنان به تکاپو و تلاش مذبوحانه افتاده‌اند؟ غیر از این نیست که سران استکبار از قدرت برخورد علمی مسلمانان در شناخت و مبارزه با توطئه‌های شوم آنان به هراس افتاده‌اند و اسلام امروز مسلمانان را یک مکتب بالنده و متحرک و پرحماسه می‌دانند و از این‌که فضای شرارت آنان محدود شده است و مزدبگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی‌توانند علیه مقدسات قلم‌فرسایی کنند مضطرب شده‌اند.

من قبلاً نیز گفته‌ام همه توطئه‌های جهان‌خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوییم اسلام جواب‌گوی جامعه است و حتما در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم.


سلمان رشدی


تری جونز

۱۱ - اشاره به حکم وجوب قتل سلمان رشدی مرتد و ناشرین کتاب ضد اخلاقی و ضد دینی او

حرکت به سمت خودکفایی

ما نباید غفلت بکنیم، واقعاً باید به سمتی حرکت نماییم که إن‌شاءالله تمام رگه‌های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود. استکبار غرب شاید تصور کرده است از این که اسم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد ما درجا می‌زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف‌نظر می‌نماییم.





دشمنی استکبار با اجرای فقه اسلام

خیلی جالب و شگفت‌انگیز است که این به ظاهر متمدنین و متفکرین وقتی یک نویسنده مزدور با نیش قلم زهرآگین خود احساسات بیش از یک میلیارد انسان و مسلمان را جریحه‌دار می‌کند عده‌ای در رابطه با آن شهید می‌شوند برایشان مهم نیست و این فاجعه عین دموکراسی و تمدن است اما وقتی بحث اجرای حکم و عدالت به میان می‌آید، نوحه رأفت و انسان دوستی سر می‌دهند.



ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاهت از همین نکته‌ها به دست می‌آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از یک فرد نیست، قضیه حمایت از جریان ضد اسلامی و ضدارزشی است که بنگاه‌های صهیونیستی و انگلیس و آمریکا به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله خود را رو به روی همه جهان اسلام قرار داده‌اند.



تأسف از عملکرد دولت های اسلامی

البته باید ببینیم که بعض دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی چگونه با این فاجعه بزرگ برخورد می کنند. این که دیگر مسئله عرب و عجم و فارس و ایران نیست بلکه اهانت به مقدسات مسلمانان از صدر اسلام تاکنون و از امروز تا همیشه تاریخ است و نتیجه نفوذ بیگانگان در فرهنگ مکتب اسلام است که اگر غفلت کنیم این اول ماجراست و استعمار از این مارهای خطرناک و قلم به دستان اَجیر شده در آستین فراوان دارد.





نابودی اسلام و مسلمین، نقشه شوم جهانخواران

ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته و علاقه‌مند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و آرام می‌گذریم. آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند.



این یک نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانی در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریّت چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام برملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به درآییم و همه چیز را به حساب اشتباه و سوء مدیریت و بی‌تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درک کنیم که مسئله اشتباه ما نیست، بلکه تعمد جهان‌خواران به نابودی اسلام و مسلمین است و الاّ مسئله فردی سلمان رشدی آن‌قدر برایشان مهم نیست که همه صهیونیست‌ها و استکبار پشت سر او قرار بگیرند.

بیداری مردم در مقابل تحلیل های نادرست

روحانیون و مردم عزیز حزب‌الله و خانواده‌های محترم شهدا حواسشان را جمع کنند که با این تحلیل‌ها و افکار نادرست خون عزیزانشان پایمال نشود.

ترس من این است که تحلیل‌گران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت‌کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم!





عدم کفایت اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه

خلاصه کلام این که ما باید بدون توجه به غرب حیله گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم و الاّ مادامی که فقه در کتاب‌ها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهان‌خواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست.

حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.



پژوهشکده رویان

امور اجرایی و قضایی، امری مقدس برای روحانیت

نکته آخری که توجه به آن لازم است این‌که روحانیون و علماء و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که در حوزه ننشسته‌اند بلکه برای اجرای حکم خدا راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند.

اگر طلبه‌ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می‌شود و هرگز عذر او موجه نیست، ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی‌سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت.



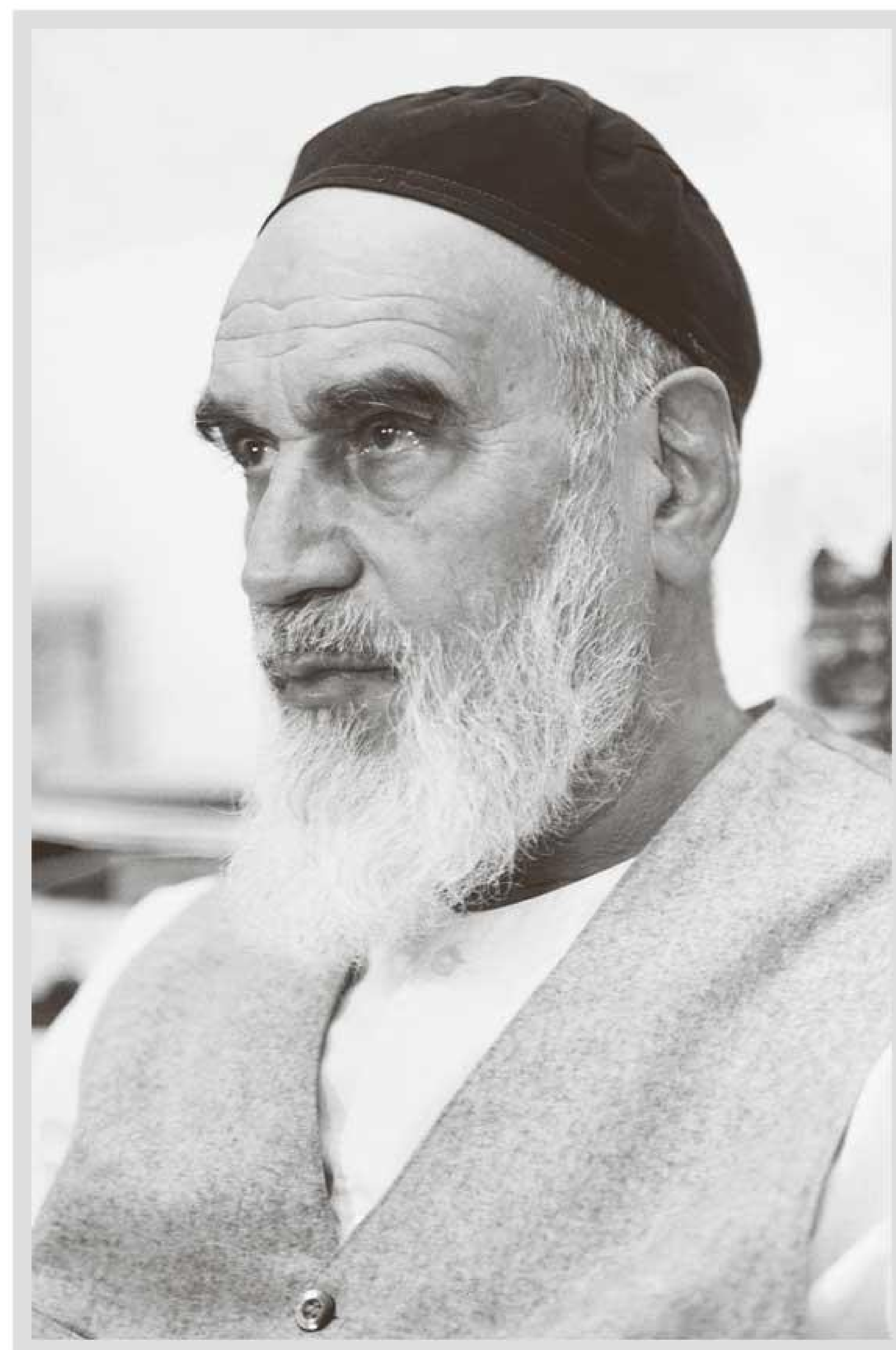
شهید بهشتی



شهید آیت الله قدوسی

سخن آخر

امیدوارم از نصایح و تذکرات مشفقانه این پدر پیر و این خدمت‌گزار حقیر خود، دل‌گیر نشده باشید و در مظان استجابت دعا با انفاس قدسیه و با دل های منور خود برایم دعا و طلب مغفرت نمایید. من هم از یاد و دعای خیر برای روحانیت اصیل و حوزه‌های علمی غفلت نمی‌کنم.



خداوندا! توان علماء و روحانیت را در خدمت به دین خود افزون نما. خداوندا! حوزه‌های علمیه، این سنگرهای پاسداری از فقاهت و اسلام ناب را تا ابد پا برجا بدار. خداوندا! شهدای روحانیت و حوزه‌ها را از نعم بی‌کران و رزق حضور خویش بهره‌مند فرما. خداوندا! به جانبازانشان شفا مرحمت کن و به خانواده‌های شهداشان صبر و اجر مرحمت فرما. مفقودین و اسراشان را هر چه زودتر به اوطانشان برگردان. خداوندا! ارزش خدمت و خدمت‌گزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما.

إنّک ولیّ النِّعم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

روح‌الله الموسوی الخمینی

۳ اسفند ۱۳۶۷



رسالت اصلی واحد انتشارات مؤسسه راهبردی حق پژوهی، نشر و توزیع کتب تخصصی در زمینه نقد فرق و ادیان می باشد. این انتشارات آمادگی دارد کتاب هایی که در این زمینه در سراسر کشور تألیف می گردد را به چاپ رساند.

قابل توجه این که اختصاص بیشترین سود حاصله از فروش و درآمد کتاب به نویسنده، از سیاست های این انتشارات به منظور ترویج آثار در زمینه نقد فرق و ادیان می باشد.

شبکه توزیع و فروش انتشارات حق پژوهی افزون بر آن که مسئولیت توزیع و ارائه کتاب های انتشارات را برعهده دارد، آمادگی دارد محصولات چاپی کلیه ناشران ارجمند را صرفاً در زمینه نقد فرق و ادیان در سراسر کشور توزیع نماید.

مؤلفین محترمی که تصمیم به چاپ هرگونه کتاب در زمینه نقد فرق و ادیان دارند، می توانند با واحد انتشارات به شماره ۰۹۱۵۷۹۵۶۴۷۳ تماس حاصل نمایند.

علاقه مندان می توانند کلیه محصولات این مؤسسه را در سایت فرقه شاپ به صورت اینترنتی خریداری نمایند.

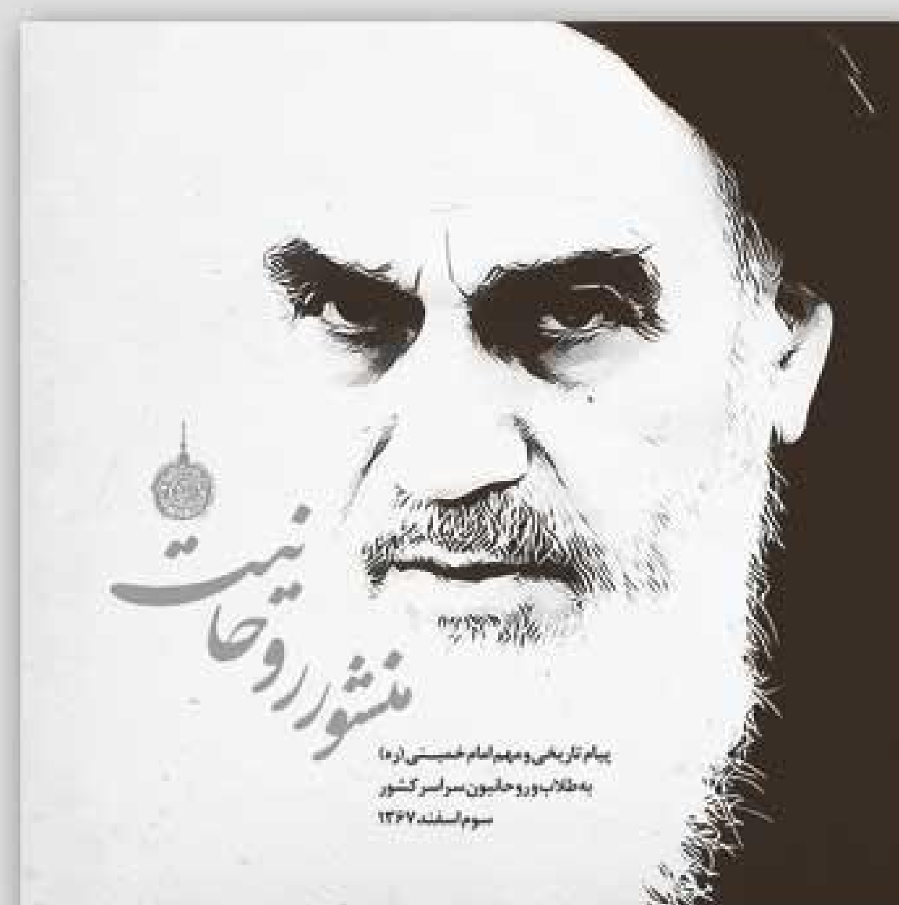


Entesharat@Hagh-Pajoohi.com

تازه ترین کتب منتشر شده از انتشارات حق پژوهی



نقد عرفان های نوظهور



پیام امام خمینی به حوزه های علمیه



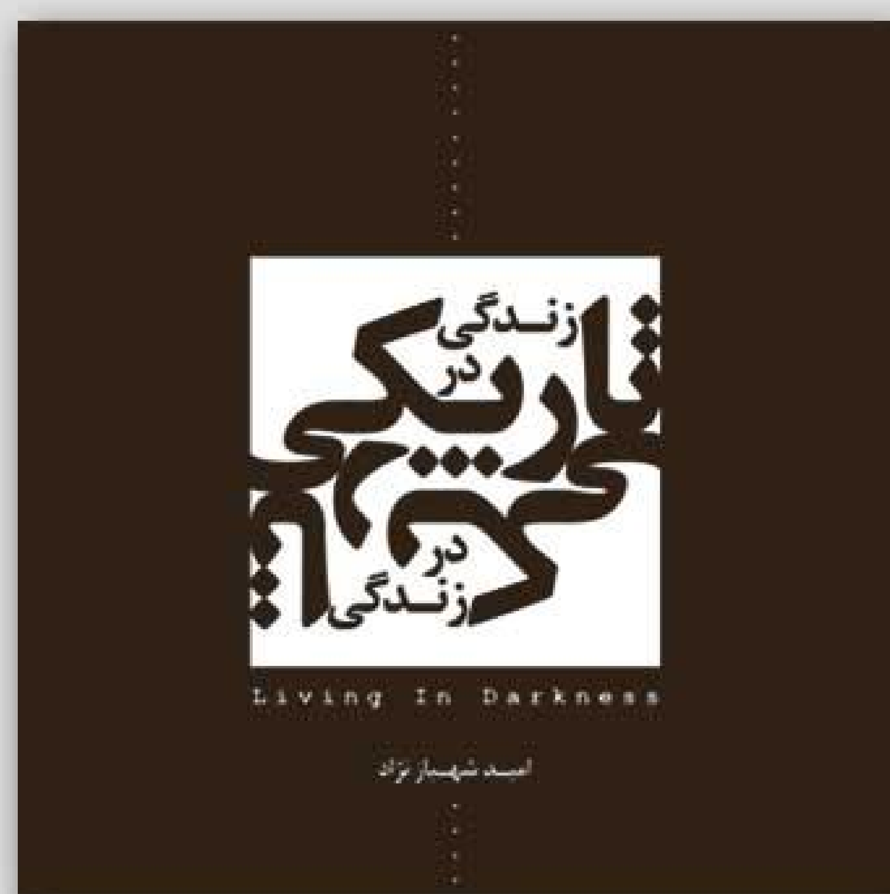
نقد مسیحیت تبشیری



مقایسه مکتب اسلام با مکاتب انحرافی



نقد بهائیت



کلیات فرق انحرافی



نقد اندیشه های پائولو کوئیلو



آسیب شناسی عرفان های نوظهور



نقد صوفیه